

کنوانسیون وحدت قوانین در مورد عودت  
بین‌المللی اموال فرهنگی که سرقت رفته یا  
به‌طور غیرقانونی خارج شده‌اند  
(م - ۲۴ ژوئن ۱۹۹۵)\*

جرج ا.ل. درز  
Georges A.L. Droz.  
مترجم: دکتر فرهاد خمایی‌زاده

اشاره

کنوانسیون وحدت قوانین امضا شده به تاریخ ۲۴ ژوئن ۱۹۹۵ در پی‌مقابله با تجارت غیرقانونی اموال فرهنگی است هدف کنوانسیون از یک سو برقراری ترتیب استرداد مال سرقت شده به مالک آن (موضوعی که در چارچوب حقوق خصوصی مطرح می‌شود حتی اگر قربانی سرقت یک شخص عمومی باشد) و از سوی دیگر برقراری امکان اعاده اموالی است که برخلاف مقررات دولتی ناظر بر حفاظت از میراث فرهنگی ملی خارج شده‌اند (موضوعی که مربوط به حقوق عمومی بوده و تنها از سوی دولت مربوطه قابل طرح و درخواست است).

---

\*. Georges A.L. Droz "La Convention d'UNIDROIT Sur le retour international des biens Culturels volés ou illicitement exportés", (Rome, 24 juin 1995), Revue critique de droit international privé, no 2 avril - juin 1997 trimestrielle tome 86 pp. 239 -281.

استرداد مال سرقت شده از طریق و وضع مقرراتی مادی و متحدالشکل قابل تحقق است در حالی که برای مسئله اعاده اموالی که به طور غیرقانونی خارج شده اند وجود همکاری اداری و قضایی لازم است. در هر دو حالت فوق‌الذکر سرنوشت خریداری که مال را با حسن نیت تحصیل نموده از اهمیت خاصی برخوردار است.

### مقدمه

۱. در اوایل قرن حاضر يك نویسنده آمریکایی به استناد منابع بسیاری،<sup>۱</sup> آماري ارائه نمود مبني بر اینکه سالانه حدود پنجاه هزار اشیاء هنري سرقت شده یعنی به طور متوسط ۱۴۰ مورد در روز و دقیقاً از میراث فرهنگی کشور ایتالیا هر نیم ساعت يك سرقت صورت گرفته است.<sup>۲</sup> بازدیدکنندگان از نمایشگاه برگزار شده در موزه ورسای تا ژانویه ۱۹۹۷ (امپرسیونیزم در هنر جدید ۱۹۹۶ - ۱۹۹۰) از مشاهده ویتترین‌های بزرگ مملو از برونزهای Dalou و دیگر مجسمه‌سازان که نه

---

۱. خصوصاً مقاله‌ای از Raguideau و Martinez در مجله پلیس ملی ۱۹۸۲ صفحه ۵ و ۸.

2. Karen Teresia Burke "International Transfers of Stolen Cultural Property: Should Thieves continue to Benefit from Domestic law Favoring Bona fide Purchasers?" Loyola L.A. Int. and Comp. Law Journal 1990, p. 427 s.

خریداری و نه اعطا گردیده و در برگ معرفی‌شان عنوان شده «به و سیله وزارت بودجه - مدیریت گمرکی، به وزارت فرهنگ واگذار شده»، امری که به وضوح مؤید گستردگی نقل و انتقالات بین‌المللی اموال فرهنگی و احتمالاً صادرات غیرقانونی عقیم مانده اینگونه اموال است، متعجب می‌شوند. در فوریه ۱۹۹۷ در مطبوعات برجسته اعلام شد که رئیس میلانی Sotheby به علت ترتیب دادن انتقال اشیاء هنری ایتالیایی به لندن از مقام خود برکنار گردید.

۲. کنوانسیون وحدت قوانین قصد دارد با وضع برخی ضمانت‌اجراهای حقوقی (و نه کیفری) برای موارد سرقت و خارج نمودن آثار هنری و اموال فرهنگی از نقل و انتقالات غیرقانونی آنها جلوگیری نماید.<sup>۳</sup> اصرار دکترین در جهت حمایت

---

۳. کنوانسیون در ۹۵/۶/۲۴ به وسیله بورکینافاسو، کامبوج، کروات، فرانسه، گینه، مجارستان، ایتالیا، لیتوانی و زامبیا، متعاقباً به وسیله گرجستان (۹۵/۶/۲۷)، فنلاند (۹۵/۱۲/۱)، پرتغال (۹۶/۴/۲۳)، پاراگوئه (۹۶/۶/۱۳)، سوئیس (۹۶/۶/۲۶)، رومانی (۹۶/۶/۲۷)، پاکستان (۹۶/۶/۲۷)، هلند (۹۶/۶/۲۸)، پرو (۹۶/۶/۲۸)، بولیوی (۹۶/۶/۲۹)، سنگال (۹۶/۶/۲۹)، فدراسیون روسیه (۹۶/۶/۲۹) امضا شد.

بین‌المللی از میراث‌های فرهنگی موجب ایجاد این کنوانسیون شد. قبلاً Patrick O'keefe و Lyndel v. Protot در کتاب دایرة‌المعارف خود در مورد نقل و انتقالات بین‌المللی اموال فرهنگی منتشر شده در ۱۹۸۹، ۹۵۰ مونوگرافی و تحقیق در مورد این موضوع ارائه نمودند (با یک کتابنامه ۴۹ صفحه‌ای).<sup>۴</sup>

۳. موضوع حمایت حقوقی بین‌المللی از اموال فرهنگی در سیزدهمین اجلاسیه حقوق اروپا که به وسیله شورای اروپا در ۱۹۸۳ در دلف برگزار شد مطرح گردید. در ۱۹۸۵ P.Lalive اجلاسیه‌ای برای بررسی جنبه‌های حقوقی تجارت بین‌المللی آثار هنری ترتیب داد<sup>۵</sup> که موارد مطروحه طی مجموعه‌ای در ۱۹۸۸ منتشر شد.<sup>۶</sup> موضوع در مجلات فرانسوی - یونانی انجمن قانونگذاری تطبیقی و نیز مجلات لهستانی ۱۹۸۹ مؤسسه هنری

---

4. Law of the Culural Heritage, volume 3, Movement, Butterworths 1989. 1049, P.v.. notre compte rendu dans cette Revue 1992, P. 218.

۵. رك. نظریات P.Lagarde در مجله انتقادی حقوق بین‌الملل خصوصی ۱۹۸۵ ص ۴۱۹.

6. International Sale of Works of Arts; la Vente internatioale d'oeuvres d'art, Faculte de Droit de Genève et Institut du droit et des pratiques des affaires internationael de la CCI, Genève, 1988: voir aussi la Vente international d'oeuvres d'art tome II, Kluwer, Deventer et Boston 1990.

کاپیتان مطرح گردید،<sup>۷</sup> مجله انتقادی حقوق بین‌الملل خصوصی هم نظرات R. Fraoua Q. Byrnesutton, M.Frigo, را در این زمینه منعکس نمود.<sup>۸</sup> سپس در درسهایی K.Siehr, L.Prott در آکادمی حقوق بین‌الملل لاهه موضوع عنوان شد.<sup>۹</sup> مؤسسه حقوق بین‌الملل نیز در اجلاس ۳ سپتامبر ۱۹۹۱ در شهر بال و متعاقب گزارش F.Correia<sup>۱۰</sup> قطعنامه‌ای در مورد بیع بین‌المللی اشیاء هنری در جهت حمایت از میراث فرهنگی صادر نمود. اخیراً در حالی که مذاکرات گسترده‌ای در کادر وحدت قوانین در جریان بود، کتاب حجیمی به زبان اسپانیایی توسط V.Fuentes Camacho در این مورد منتشر شد.<sup>۱۱</sup>

۴. با بررسی و مطالعه مجموعه گسترده فوق‌می‌توان نتیجه گرفت که به

---

7. Société de législation comparée volume 8 de la collection, 1986; Association Henri Capitant, Travaux, tome XL 1989, Paris, Economica 1991.

۸. مجله انتقادی حقوق بین‌الملل خصوصی ۱۹۸۹ ص ۶۰۳ .

9. L. Prott, Problems of private international law for the protection of the cultural heritage. RCADI 1989, Vol 5, t. 217, p. 214 et s., K.Siehr, International Art Trade and the Law, RCADE 1993, Vol. 6. t. 243, P. 9 et s.

۱۰. برای مطالعه متن قطعنامه رك. مجله حقوق بین‌الملل خصوصی ۱۹۹۲ ص ۲۰۳، همچنین رك.

F. Correia Rapport définitif, Annuaire, IDI 1991, Vol. 64, P. 140 et s. v. aussi, E. Jayme op. cit. p. 123 et s I.Seidel - Hohenveldern, op. cit. P. 134.

11. El tráfico ilícito internacional de bienes culturales; perspectivas del Derecho internacional privado español, Madrid 1993, V.c. - r. H. Muir watt, cette Revue, 1994, p. 868.

❖ ۱۸۳ کنوانسیون وحدت قوانین...

نظر اکثر نویسندگان سیستم سنتی تعارض قوانین یا تعارض دادگاهها قادر نیست به طرز مطلوبی مشکلات ناشی از نقل و انتقال غیرقانونی اموال فرهنگی چه به صورت سرقت، چه به شکل خارج نمودن غیرقانونی آنها را حل کنند. همانطور که، P.Lagarde, H. Muri Watt<sup>۱۲</sup> نیز عنوان نموده اند توسل به قاعده حل تعارض در بسیاری موارد نمیتواند از تطهیر آثار هنری جابجا شده به طور غیرقانونی جلوگیری نماید چه قانون حاکم قانون محل وقوع حال در زمان تحصیل آن باشد یا قانون محل وقوع مال در زمان طرح درخواست استرداد. بررسی تطبیقی، اختلاف نظرات فاحشی را از جهت حمایت از مالک سلب تصرف شده یا متصرف با حسن نیت نشان میدهد. میدانیم در سیستم کامنلا مالک مورد حمایت است و میتواند بدون پرداخت هیچ غرامتی مال مسروقه را از متصرف با حسن نیت آن اخذ نماید. در سیستم آلمان نیز همین راه حل

---

12. Paul Lagarde, Commerce et Protection des biens culturels en droit international prive Journées franco - Helléniques, Société de législation comparée 1986, Vol. 8, P. 423 et s. La Protection des biens culturels, Rapports général, Journées Polonaises, travaux de l'Association Henri Capitan 89, préc., p. 95 et s. ; H.Muir Watt La revendication des biens culturels: à propos de la décision américaine Église Autocéphale, cette Revue 1992, P. 1.

پذیرفته شده ولی اگر متصرف با حسن نیت مال مورد ادعا را مستمراً به مدت ۱۰ سال در دست داشته باشد می‌تواند از اماره تصرف استفاده نماید. قوانین سوئیس و فرانسه به‌طور تقریباً یکسانی مطالبه مال مسروقه را در مدت سه سال (بند ۲ ماده ۲۲۷۹ قانون مدنی فرانسه) یا ۵ سال (بند ۱ ماده ۹۳۴ قانون مدنی سوئیس) اجازه می‌دهند مع‌ذلك در صورت وجود برخی شرایط (خرید مال در بازار، در حراج‌های عمومی یا از یک تاجر حرفه‌ای) متصرف با حسن نیت حق دریافت غرامت دارد. (بند ۱ ماده ۲۲۸۰ قانون مدنی فرانسه و بند ۲ ماده ۹۳۴ قانون مدنی سوئیس). وقتی مهلت مذکور سپری شد از متصرف کاملاً حمایت می‌شود. در حقوق ایتالیا متصرف با حسن نیت فوراً و به‌طور کامل مورد حمایت قرار می‌گیرد.<sup>۱۲</sup>

---

13. Sur le droit comparé voir; les rapports nationaux dans La Vente internationale d'oeuvres d'art, tome I précité; voir aussi J.G. Sauveplane. La protection de l'acquéreur de bonne foi d'objets mobiliers corporels, Rapportsur les travaux d'UNIDROIT concernani l'acquisition de bonne foi, Rome, 1963; O'keefe et Prott, op. cit., p. 396 et s., n<sup>o</sup> 742 et s.; Karen Burke op. cit. note 2, et tout récemment l'importante etude de Guido Carducci, La restitution international des biens culturels et des objets d'art volés ou illicitement exportés: droit commun, Directive CEE, Conventions de l'UNESCO et d'UNIDROIT, IGDJ, 1997.

۵. مالک مال از دست داده برمتصرف با حسن نیت ارجحیت دارد و یا بالعکس بسته به اینکه تحصیل مال در چارچوب قانون حمایت کننده از مالک صورت گیرد یا قانونی که از متصرف حمایت می‌کند. پرونده‌های Christie, Elicofon Winkworth نمونه‌های جالبی در این مورد ارائه می‌دهند.<sup>۱۴</sup> در پرونده Elicofon آثار نقاشی Djirer را یک سرباز امریکایی از موزه‌های آلمان سرقت نموده و به یک شخص نیویورکی فروخته بود. موزه آلمانی بیش از ۱۰ سال پس از این جریان، درخواست عودت آثار نقاشی مذکور را مطرح نمود. اگر در این مورد قانون آلمان به‌عنوان قانون محل وقوع سرقت اجرا می‌شد اماره تصرف پذیرفته می‌شد مع ذلك دادگاه امریکایی با اجرای قانون نیویورک (قانون محل تحصیل مال) رأی به عودت تابلوهای مورد بحث داد. اگر تابلوی مذکور بجای اینکه در نیویورک تحصیل شود در ایتالیا به‌وسیله همین شخص امریکایی خریداری می‌شد از متصرف حمایت کامل به عمل می‌آمد.

---

14. Kunstammlungen zu Weimar v. Elicofon 678 F 201 1150 Winkworth v. Christie, Mason c. Woods Ltd and Another, n<sup>o</sup> 80. All. ER 1122.



در پرونده Winkworth v. christie اشیاء هنري در انگلستان سرقت و به ایتالیا منتقل شدند. اشیاء مذکور در ایتالیا توسط شخصي خريداري و خريدار دوباره آنها را به انگلستان برد تا در جريان يك جراحي به فروش برسانند. دادگاه انگليسي با اجرائي قانون ایتالیا به عنوان قانون محل تحصيل مال به ضرر مالك انگليسي رأي داد. در حالي كه قانون انگليسي از مالك حمايت مي نمود. اينكه در مورد موضوعات يكسان بين المللي راه حلهاي كاملاً متفاوت براساس تعيين محل تحصيل مال (عاطلي كه به وسيله انتقال دهندگان قابل تغيير است) اتخاذ شود، درست و شايسته نيست. تاجري عامداً يك اثر هنري را در كشوري كه قائل بر مدت مرور زمان كوتاهي است خريداري و آن را چندين سال در جايي مخفي مي نمايد. اين شخص پس از انقضاي مدت مرور زمان يا زمان قانوني تلقي شدن تصرفش مي تواند بدون هيچ زحمت و در شرايط خوبي اثر هنري مذكور را به فروش برساند.

۶. خارج نمودن غيرقانوني اموال فرهنگي با نقض مقررات صادراتي يك كشور

كنوانسيون وحدت قوانين... ❖ ۱۸۷

که در جهت حمایت از میراث فرهنگی وضع شده، مورد مشکلات گوناگونی است. گرچه موضوع سرقت که متعاقباً خارج کردن مال مسروقه و نتیجتاً لطمه به منافع ملی کشور را در پی دارد از دید حقوق اموال يك مسئله حقوقی خصوصی تلقی می‌شود، موضوع خارج نمودن مال با نقض مقررات حفاظتی دولتی در محدوده حقوق عمومی قرار می‌گیرد. در حقوق تطبیقی پذیرفته شده که در صورت احراز حسن نیت متصرف وی می‌تواند ملزم به استرداد مال مسروقه گردد (با حفظ حقوق متصرف با حسن نیت). ولی وقتی مسئله اجرای قواعد حقوق عمومی، قواعد حفاظتی، قوانین انتظامی يك کشور دیگر مطرح باشد طور دیگری عمل می‌شود حتی اگر این قواعد تقریباً مثل مقررات کشور محل تقدیم درخواست استرداد باشد. در پرونده قدیمی و بسیار معروف Ciboire de Burgos غیرقابل معامله بودن يك اثر هنری که وارد فرانسه شده بود توسط اسپانیا اعلام گردید ولی فرانسه به آن ترتیب اثر نداد هر چند خود فرانسه نیز

قائل بر غیرقابل معامله بودن اموال عمومی است.<sup>۱۵</sup>

در پرونده Attorney General of New - Zealand v. Ortiz.<sup>۱۶</sup> دادگاه استیناف و مجلس لردها در مورد مجسمه‌ای اثر Maori که به‌طور غیرقانونی در ۱۹۷۳ خارج و در نیویورک به Ortiz فروخته شده و نامبرده نیز آن را در لندن به معرض فروش گذاشته بود، از اجرا و به رسمیت شناختن قواعد حفاظتی نیوزیلند امتناع نمودند. به‌نظر P. Lagarde<sup>۱۷</sup> رأی صادره کاملاً روشن نیست. این سؤال مطرح است که آیا دولت نیوزیلند پس از مصادره قانونی مال مالک آن تلقی می‌شود. به نظر لرد Denning این مصادره قانونی که در چارچوب حقوق عمومی است اثر برون مرزی ندارد. در پرونده United States Mc Clain v.<sup>۱۸</sup>

دادگاه امریکایی درخواست استرداد اشیاء مربوط به کلمبیای قدیم را که به‌طور غیرقانونی به امریکا برده شده بودند رد نمود ولی نه به استناد اصل

---

15. Tribunal Seine. 17 avr. 1985, Clunet 1886. 593.

16. [1982] 3 AIE.R. 432; [1983] 2 AIE.R. 93.

17. op. cit. Journées de La Societe de legislatlon Comparée 1986. P. 436.

18. US Ct AP 5 TH Circ, 24 janv. 1977. 545 F 2d 988.

عدم قابلیت اجرای مقررات حقوق عمومی خارجی بلکه صرفاً با توجه به تاریخ تحصیل شیء (از این جهت که قبل از به مرحله اجرا درآمدن قوانین حفاظتی مکزیك بوده یا بعد از آن).

در رأی Eglise Anto Cephale نیز به همین ترتیب عمل شد.<sup>۱۹</sup> و دادگاه امریکایی به استرداد موزاییکهای کنده شده از یک کلیسای بیزانتین، به قبرس رأی داد. معذک باید توجه داشت که در این پرونده بیشتر مسئله خارج کردن غیرقانونی از جنبه حقوق عمومی قبرس مطرح بود تا یک سرقت ساده و بی‌شک دادگاه با صدور این رأی قصد داشته غارت انجام شده با مجوز مقامات متصرف شمال جزیره را محکوم و عاملین آن را تنبیه کند.<sup>۲۰</sup>

---

19. V. article Pricité, note 13.

۲۰. در پرونده Jeanneret v. Vichey مسئله نقض مقررات صادراتی ایتالیا موضوع اصلی بود هر چند درخواست صریحی در این رابطه از سوی دولت ایتالیا مطرح نشده بود. یک تابلوی معروف اثر Matisse که جزء ارثیه یک ایتالیایی بود به وراثت رسیده و وراثت مذکور تابلو را به سوئیس و سپس امریکا بردند. تابلو در امریکا به یک عتیقه‌چی سوئیسی فروخته شد و شخص اخیر آن را در فرانسه و سوئیس به معرض نمایش گذاشت ولی در این اثنا متوجه شد که مقامات ایتالیا می‌توانند با طرح مسئله غیرقانونی خارج شدن تابلو از ایتالیا عودت آن را درخواست نمایند و به همین علت نامبرده در امریکا علیه فروشنده تابلو دعوی

۷. نهایتاً رأی صادره از دادگاه تورین ایتالیا در پرونده République de L'Equateur c. Danusso در ۲۵ مارس ۱۹۸۲<sup>۲۱</sup> به بهترین وجه حقوق عمومی کشورهای خارجی را محترم شمرده و مقرر داشته قوانین اکوادور که اشیاء زیر خاکی را اموال دولتی دانسته و انتقال آنها به اشخاص یا خارج نمودنشان را ممنوع اعلام نموده قابل اجرا هستند. ایتالیا به واقع یکی از کشورهای است که میراث فرهنگی‌شان به شدت غارت شده و مقررات حفاظتی آن تقریباً مثل مقررات کشور اکوادور است. لذا شایسته نبود در مورد مطروحه ایتالیا از اجرای مقررات کشور اکوادور امتناع نماید.

۸. در مورد استرداد یا عودت اموال فرهنگی سرقت یا به‌طور غیرقانونی خارج شده، تاکنون چند کنوانسیون بین‌المللی توسط یونسکو وضع شده‌اند، مع‌ذک این کنوانسیونها در مجموع قادر به حل مشکلات

---

فسخ قرارداد با پرداخت خسارات و منافع را مطرح و تقاضا نمود تابلو در سطح بین‌المللی ممنوع‌المعامله اعلام شود که مورد موافقت واقع شد و بدین ترتیب قواعد صادراتی ایتالیا مورد توجه قرار گرفت.

21. Riv, dir int. Priv. Proc. 1982, 625.

موجود نیستند. کنوانسیون ۱۴ می ۱۹۵۴ لاهه (در چارچوب یونسکو) به مسئله حفاظت از اموال فرهنگی در مواقع جنگ پرداخته است. این کنوانسیون را کشورهای زیادی تصویب نموده اند مع ذلك دامنه آن محدود بوده و به علاوه تجزیه یوگسلاوی در وضعیت آن تأثیر گذاشته است. اجرای احتمالی کنوانسیون مذکور با مشکلات تکنیکی مواجه است خصوصاً از این جهت که به موجب آن دولت‌ها باید فهرستی از اموال منقول یا غیرمنقول تحت حفاظت را تهیه و ارائه نمایند که اغلب آنها در این مورد اقدام ننموده اند. پروتکل منضم به کنوانسیون به طور خاصی به مسئله حفاظت از اموال فرهنگی پرداخته است.

۹. مهمترین کنوانسیون، کنوانسیون یونسکو مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۰ در مورد ترتیبات لازم برای ممنوعیت و جلوگیری از صادرات و نقل و انتقال غیرقانونی اموال فرهنگی است. متأسفانه این کنوانسیون را دولتهایی که مستقیماً در مسئله نقل و انتقال اموال فرهنگی ذی‌نفع هستند تصویب ننموده اند (انگلستان، سوئیس، آلمان).

در فرانسه گرچه اجازه تصویب کنوانسیون را پارلمان در ۱۹۸۴ صادر نموده، تصویب آن در ۱۹۹۷ و انتشار آن ۳ می ۱۹۹۷ صورت گرفته است (روزنامه رسمی ص ۶۶۸۰). کنوانسیون مقرر داشته که خروج اموال فرهنگی مشخص شده باید توسط مؤسسه صادر کننده گواهی خروج کنترل شود. به موجب بند ب ماده ۷ کنوانسیون ورود اموال فرهنگی مسروقه به يك موزه یا مکان عمومی یا مذهبی یا مؤسساتی از این قبیل واقع در سرزمین یکی دیگر از دول عضو ممنوع است.

این کنوانسیون ترتیباتی را در مورد ضبط و عودت مال مسروقه به مکان اولیه مقرر داشته مع ذلك پرداخت غرامت مناسب به متصرف با حسن نیت را نیز پیشبینی نموده است کنوانسیون مقرره‌ای در مورد پروسه و نحوه استرداد ندارد و به موجب آن دول عضو متعهد به اتخاذ تدابیر حفاظتی لازم هستند. این کنوانسیون که به صورت يك کنوانسیون کادر جلوه‌گر می‌شود گامی است در راه قانونی کردن نقل و انتقالات بین‌المللی آثار هنری و از این نظر فوق‌العاده اهمیت دارد و تصویب اخیر

کنوانسیون وحدت قوانین... ❖ ۱۹۳

آن توسط فرانسه اقدامی بجا بوده است. مع ذلك کنوانسیون مانع نیست از اینکه کنوانسیون دیگری مستقیماً به مسئله استرداد با عودت اموال فرهنگی مسروقه یا غیرقانونی خارج شده بپردازد.<sup>۲۲</sup>

۱۰. کنوانسیون اروپایی در مورد جرایم مربوط به اموال فرهنگی منقول که به طور سمبولیک در ۲۳ ژوئن ۱۹۸۵ در دلف امضا شده به جنبه کیفری نقل و انتقال اموال فرهنگی می‌پردازد و بر مبنای همکاری کشورها در زمینه کیفری به شرح مقررہ توسط شورای اروپا، مواردی را مطرح می‌کند.<sup>۲۳</sup>

این کنوانسیون که درخواست استرداد اموال فرهنگی چه از جانب دولتها و چه توسط اشخاص خصوصی را پذیرفته به طور خیلی ناقصی مشکل حقوق خصوصی را در این مورد حل نموده است زیرا قیود را در نظر گرفته و خصوصاً مسئله به احراز حسن نیت متصرف را به حقوق عرفی کشور میزبان واگذار کرده است مع ذلك با توجه به

---

22. V. Lyndel Prott "Unesco and Unidroit: Partnership against Trafficking in Cultural Objects"

Revue de droit uniforme 1996. P. 59 et s.

۲۳. متأسفانه این معاهده تاکنون به مرحله اجرا در نیامده است.



ترتیباتی که برای تبادل سریع اطلاعات در مورد جرایم مربوط به اموال فرهنگی مقرر شده این کنوانسیون می‌تواند به‌طور غیرمستقیم موجب تسهیل اجرای کنوانسیون وحدت قوانین گردد.

۱۱. در مورد مسئله صادرات غیرقانونی اموال فرهنگی ما از ۱۹۸۳ (زمانی اجلاس دلف برگزار شده توسط شورای اروپا) معتقد بر لزوم وضع کنوانسیونی بین‌المللی حاوی مقررات مادی در مورد عودت اموال غیرقانونی خارج شده به کشور مبدأ بودیم، بدون اینکه لازم باشد، در چنین کنوانسیونی مسئله مالکیت با انتقال حق مالکیت مطرح شود. به‌طور خلاصه غرض این بود که در این مورد کنوانسیون لاهه ناظر بر جنبه‌های حقوقی بچه دزدی بین‌المللی (حاوی مقرراتی در مورد عودت طفل به کشور مبدأ بدون نظر به مسئله ماهوی حضانت طفل)<sup>۲۴</sup> به‌عنوان الگو مورد استفاده واقع شود. انجام این مهم از طریق کنفرانس لاهه در مورد حقوق بین‌الملل خصوصی مقدور بود کنفرانسی که

---

24. V. Actes du Treizième colloque de Droit européen, Delphes 20/22 Sept. 1983, Conseil de L'Europe Strasbourg, 1984. L'idée a été reprise et développée Lors du Colloque de Genève d'avril 1985, v. La vente internationale d'oeuvres d'art P. 535 et s.

علاوه بر وضع کنوانسیونهای مختص به مسئله حقوق بین‌الملل خصوصی صلاحیت وضع کنوانسیونهای همکاری با درگیر کردن مستقیم مقامات دولتها را دارد. مع ذلك جامعه بین‌المللی مایل بود توجه دقیق‌تر و بیشتری به مسئله استرداد اموال فرهنگی مسروقه یا انتقال داده شده از يك کشور به کشور دیگر، معطوف گردد و در واقع بیشتر مسئله ایجاد وحدت حقوق مادی مورد نظر بوده، امری که در محدوده فعالیت کنفرانس وحدت قوانین قرار می‌گرفت.

۱۲. چون مؤسسه حقوق رم برای وحدت حقوق خصوصی و کنفرانس لاهه در مورد حقوق بین‌الملل خصوصی از تباط نزدیک و مطلوبی با هم دارند و هر دو مکمل یکدیگرند، موضوع اموال فرهنگی به کنفرانس وحدت قوانین ارجاع و مسئله حمایت از اطفال در چارچوب فرزندخواندگی بین‌المللی به کنفرانس لاهه محول شد و این در حالی است که کنفرانس وحدت قوانین به برخی جنبه‌های مسئله اخیر نیز پرداخته است. باید تصدیق کرد که امروزه هر يك از این دو ارگان به نوبه خود موفق به ایجاد يك

معاهده بین‌المللی گردیده‌اند (یکی در ۱۹۹۳ و دیگری در ۱۹۹۵).

۱۳. هدف کنوانسیون رم این است که طی يك متن دو جنبه متفاوت نقل و انتقال بین‌المللی غیرقانونی اموال فرهنگی را مطرح کند. از جنبه حقوق خصوصی در پی تنظیم مقرراتی در مورد استرداد اموال فرهنگی مسروقه است چه سرقت به منافع يك شخص لطمه زده باشد یا به منافع يك دولت یا يك مؤسسه عمومی از سوی دیگر کنوانسیون می‌خواهد عودت اموال خارج شده برخلاف مقررات حفاظتی يك کشور عضو را تأمین کند، موضوعی که در محدوده حقوق عمومی است و در اینجا خواهان همیشه يك دولت است.

در هر مورد یکی از مشکلات مطروحه ناشی از اختلاف سیستمهای حقوقی در مورد مسئله حمایت از متصرف مال مورد تقاضای استرداد است. چنین شخصی با ید قربانی شود (سیستم کامن‌لا) یا اینکه مورد حمایت کامل قرار گیرد (سیستم ایتالیا)؟

خواهیم دید که راه‌حلهای بینابینی پذیرفته شده است: مال همیشه باید مسترد یا اعاده شود همانطور که مورد نظر

کنوانسیون وحدت قوانین... ❖ ۱۹۷

سیستم کامن لا است مع ذلك به موجب سیستمهای حقوق نوشته (مثل فرانسه و سوئیس) باید به متصرف با حسن نیت غرامت پرداخت شود. ولی دیگر اماره تصرفی با مدت نسبتاً کوتاه برای تطهیر مال برقرار نشده است. بالاخره و در هر صورت در مورد اموال مسروقه، دیگر وجود حسن نیت به طور مطلق مفروض نیست. متصرف باید هنگام اخذ مال کم و بیش احتیاطات لازم را معمول دارد. ماه فصل کنوانسیون را به ترتیب مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

## ۱. دامنه اجرا و تعاریف

۱۴. متعاقب تشکیل جلسات کمیته متخصصین بین المللی، یک کنفرانس دیپلماتیک در ۷ ژوئن ۱۹۹۵ در رم برای تهیه و تنظیم پروژه کنوانسیون وحدت قوانین در مورد مسئله عودت بین المللی اموال فرهنگی که به سرقت رفته یا به طور غیرقانونی خارج شده اند، برگزار شد.<sup>۲۰</sup> این مطلب در تمام اسناد مربوط به کارهای مقدماتی و اسناد تنظیمی به

---

۲۰. جلسات کمیته متخصصین تحت ریاست P.Lalive برگزار شد.

وسیله دولت ایتالیا به زبانهای انگلیسی و فرانسه درج شده است.<sup>۲۶</sup> عنوانی که نهایتاً برای کنوانسیون انتخاب شد خیلی خلاصه‌تر بود: کنوانسیون وحدت قوانین در مورد اموال فرهنگی که به سرقت رفته یا به‌طور غیرقانونی خارج شده‌اند. عنوان مورد نظر در زمان انجام کارهای مقدماتی یعنی «عودت بین‌المللی» مبهم به‌نظر می‌رسید با توجه به اینکه ماده اول کنوانسیون مسئله استرداد اموال فرهنگی به سرقت رفته را از مسئله عودت اموال فرهنگی غیرقانونی خارج شده بخوبی تفکیک نموده بود. بالاخره ترجیح داده شد که عنوان کنوانسیون مختصر و مفید باشد. نماینده یونسکو نیز بر این امر تأکید داشت.

#### الف. دامنه اجرا

۱۵. دامنه اجرای کنوانسیون محدود است به «درخواست‌هایی که جنبه بین‌المللی دارند». در ابتدا یک گروه تحقیقاتی (تشکیل شده از طریق هیأت رئیسه کنفرانس

---

26. Ces Actes ont été édités par Presidenza del Consiglio dei Ministri, Dipartimento per l'informazione e l'Editoria et distribués par l'Istituto Poligrafico e Zecca dello Stato, 10 Piazza Verdi, Roma.

وحدت قوانین) در پی وضع یک قانون واحد متضمن قواعد مادی مشترک در مورد مجازات انواع سرقت اموال فرهنگی بود، کاری که از قبل در محدوده فعالیت کنفرانس وحدت قوانین قرار داشت. مع ذلك می‌دانیم که کنوانسیونهای حاوی قانون متحدالشکل در مورد بیع بین‌المللی اجاره و حق‌العمل کاری، فقط ناظر بر وضعیتهای بین‌المللی بودند. کمیته متخصصین دولتی نیز همین موضوع را اتخاذ نمود. تصریح مذکور در کنوانسیون (درخواستهایی که جنبه بین‌المللی دارند) هیچ مشکلی در ارتباط با مسئله عودت اموال فرهنگی خارج شده به‌طور غیرقانونی از قلمرو یک دولت عضو ایجاد نمی‌کند. دولتی از یک دولت دیگر عضو (عودت مال فرهنگی) را درخواست می‌کند. در مورد اموال سرقت شده اگر در کشوری غیر از کشور محل سرقت یافت شوند، مشکلی به‌وجود نمی‌آید. در این حالت نیز درخواست جنبه بین‌المللی دارد حتی اگر در برابر محاکم کشور مبدأ مطرح شده باشد (وقتی که مثلاً دزد یا متصرف مال در این کشور زندگی می‌کند). مع ذلك موضوع در

مواردی مثل پرونده Winkworth v. christie L.t.d<sup>۲۷</sup> پیچیده‌تر می‌شود. در این پرونده مال سرقت شده در یک کشور عضو به کشور دیگری منتقل شده و در این کشور ثالثی آن را تحصیل نموده و به کشور مبدأ برگردانده تا آن را به فروش رسانده یا در نمایشگاهی عرضه کند. به نظر ما در چنین موردی بی‌شک با توجه به عبور دادن مال مسروقه از مرز کشورها موضوع یک درخواست بین‌المللی مطرح است.

بدیهی است وقتی طرفین قرارداد در یک کشور زندگی می‌کنند ولی مبیع باید مورد حمل و نقل بین‌المللی واقع شود، این قرارداد بین‌المللی تلقی می‌شود. محدود بودن دامنه اجرای کنوانسیون به روابط بین‌المللی قطعاً موجب می‌شود یک مالک خارجی بیش از یک شهروند مالک که در حقوق داخلی منافعی به نفع یک متصرف با حسن نیت تضییع شده، مورد حمایت قرار گیرد. مع ذلك برای حل این موضوع دول عضو می‌توانند مقررات داخلی خود را با قواعد کنوانسیونهای حمایت‌کننده‌تر هماهنگ سازند.

---

۲۷. رك. ۱۳.

۱۶. بند الف ماده ۱ در مورد استرداد اموال فرهنگی به «سرقت رفته» است. در مورد سرقت تعریفی ارائه نشده زیرا مفهومی شناخته شده است. بنابراین کنوانسیون مع الاصول دیگر اشکال ربودن اموال فرهنگی مثلاً کلاهبرداری، خیانت در امانت، و غیره را در برنمی‌گیرد. بند ب ماده ۱ ناظر بر اموال فرهنگی است که «برخلاف مقررات مربوط به خارج نمودن اموال فرهنگی، وضع شده در جهت حمایت از میراث فرهنگی يك کشور»، خارج شده‌اند. این متن نشان می‌دهد که کنوانسیون چیزی غیر از تخلفات ساده گمرکی ناشی از صرف نقض مقررات مالی را در نظر دارد. برای اجرای کنوانسیون لازم است مصوبه در زمینه حمایت از میراث فرهنگی نقض شود مثل مورد تصویب‌نامه فرانسوی ۲۹ ژانویه ۱۹۹۳ در خصوص اموال فرهنگی که واضح محدودیتهایی بر نقل و انتقال این گونه اموال است.<sup>۲۸</sup>

### **ب. تعریف**

۱۷. به موجب ماده ۲ منظور از اموال فرهنگی «اشیایی است که از جهات مذهبی

---

۲۸. روزنامه رسمی ۳۰ ژانویه ۱۹۹۳ ص ۱۶۰۰.



یا غیرمذهبی، از نظر باستانشناسی، ماقبل تاریخ، تاریخ ادبیات هنر یا علم حایز اهمیت‌اند»، اشیایی که در یکی از دستجات برشمرده شده در ضمیمه کنوانسیون حاضر قرار دارند. ضمیمه کنوانسیون همان موارد مندرج در بند اول کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو را ذکر نموده است. به‌موجب کنوانسیون اخیر اموال فرهنگی تلقی می‌شوند که «برای هر دولت از جهت باستانشناسی، ماقبل تاریخ و غیره حایز اهمیت‌اند». قصد کنفرانس وحدت قوانین برقراری ترتیبات استرداد اموال فرهنگی مسروقه برای قانونی ساختن تجارت آثار هنری بود و نمی‌شد دامنه آن را به اموال «تعیین شده» به وسیله دول عضو محدود نمود. همچنین به این دلیل است که ماده ۲ مقرر می‌دارد مال باید از نظر باستانشناسی، ماقبل تاریخ و غیره «واجد اهمیت» باشد. وجود «اهمیت زیاد» یا «اهمیت خاص» که ارزیابی و بررسی‌های پیچیده و غیرمنصفانه در جریان استرداد اموال مسروقه را موجب می‌شود (که نتیجتاً گروهی حمایت می‌شوند و گروه دیگر نه) مد نظر واقع نشده است. مع ذلك ایده «وجود

کنوانسیون وحدت قوانین... ❖ ۲۰۳

يك اهميت خاص» از جهات ياد شده «باستانشناسي، ماقبل تاريخ، تاريخ و غيره» مجدداً در ماده ۵ به مناسبت طرح موضوع توجيه يك درخواست اعاده مال خارج شده به طور غيرقانوني، مطرح شده است.

## ۲. استرداد اموال فرهنگي سرقت شده

### الف. الزام به استرداد

۱۸. بند ۱ ماده ۳ به وضوح از مالك سلب تصرف شده حمايت نموده و مقرر مي‌دارد متصرف مال فرهنگي بايد آن را مسترد نمايد. چنين ضمانت اجرايي براي سرقت قبلاً در همان ابتدائي كارهاي مقدماتي به وسيله گروه مطالعاتي پذيرفته شده و ديگر در كميته متخصصين دولتي مطرح نگرديد. هدف اصلي در جريان تهيه و تنظيم كنوانسيون وضع قواعدي جانبي در مورد مرور زمان و غرامت متصرف با حسن نيت، در کنار قاعده اصلي بود.

### ب. مرور زمان دعاوي

۱۹. در جريان كارهاي مقدماتي پذيرفته شده بود كه لازم است مرور زماني در مورد دعاوي مربوط به استرداد يك مال

سرقت شده، در دو مرحله مقرر گردد. از یکسو مرور زمان دعوی استرداد که مبدأ آن از زمانی که متقاضی توانست اقدام نماید شروع می‌شود و مدت آن نسبتاً کوتاه است. از سوی دیگر مرور زمان «قطعی» یا در واقع مربوط به اماره تصرف که از زمان انجام سرقت محاسبه می‌شود و مسلماً مدتش خیلی طولانی‌تر است. تا زمان تشکیل کنفرانس دیپلماتیک مواعید کوتاه یا بلند مدت پیشنهاد و مطرح می‌شدند: یک یا سه سال برای یک مورد و ۳۰ تا ۵۰ سال برای مورد دیگر. نهایتاً مواعید طولانی‌تر مورد قبول قرار گرفتند و بدین ترتیب از مالک سلب تصرف شده حمایت شد.

۲۰. هرگونه درخواست استرداد باید ظرف مدت ۳ سال از تاریخی که متقاضی محل وقوع مال فرهنگی یا هویت متصرف را شناخته مطرح شود. تعیین مدت ۳ سال در این مورد حمایت مؤثری از مالک سلب تصرف شده است زیرا مبدأ این نوع مرور زمان را ۲ عامل مشخص می‌کنند: تعیین محل وقوع مال و شناسایی هویت متصرف. عملاً در اغلب موارد مال مسروقه نشانه و علامتی دارد و قابل تشخیص است زیرا در کاتولوگ اموال

کنوانسیون وحدت قوانین... ❖ ۲۰۵

عمومي يا يك كاتالوگ مربوط به نمايشگاه از آن ذكري به عمل آمده است. در اين صورت مي‌توان نسبتاً راحت متصرف مال را شناخت. مع ذلك مجبور نمودن مالك به طرح سريع دعوا براي اجتناب از شمول مرور زمان بدون اينكه معلوم باشد مال در كجاست، خطرناك خواهد بود. متصرف مال كه با طرح درخواست استرداد هوشيار شده ممكن است مال را به صندوق بانك يك كشور غير عضو بسپارد و بدين ترتيب آن را مخفي كند. بدين جهت مقتضي است به درخواست كننده سلب تصرف شده مهلت داده شود تا هم محل وقوع مال را كشف كند و هم متصرف را شناسايي نمايد مثلاً به وي اجازه داده شود منتظر بماند تا متصرف مال را به معرض فروش بگذارد يا آن را به يك نمايشگاه هنري عرضه كند. به هر حال اگر ۵۰ سال از زمان سرقت سپري شود درخواست استرداد پذيرفته نخواهد شد. در اينجا شمول مرور زمان باعث ميشود آخرين متصرف مال با خيال راحت آن را در اختيار گيرد چه با حسن نيت باشد يا نه.

۲۱. اين قواعد براي دعاوي صرفاً خصوصي مناسب هستند و مي‌دانيم در بسياري

از سیستم‌های حقوقی اموالی که عمومی هستند مشمول مرور زمان نمی‌شوند. به علاوه این قاعده در قطعنامه اروپایی ۱۵ مارس ۱۹۹۳ در ارتباط با استرداد اموال فرهنگی خارج شده به‌طور غیرقانونی از قلمرو یک کشور عضو، منعکس است.<sup>۲۹</sup> در همین راستا پذیرفته شده که دعوی مبنی بر استرداد یک مال فرهنگی که جزئی از یک اثر تاریخی یا یک یافته باستانشناسی یا یک کلکسیون عمومی است مشمول هیچ مرور زمانی (بجز مهلت ۳ ساله سابق) نیست و کاملاً معتبر تلقی می‌شود زیرا دولت یا یک کلکسیون عمومی سلب تصرف شده است که باید به محض تعیین محل مال و متصرف آن اقدامات لازم را در جهت استرداد مال به عمل آورد. معذک بعضی کشورها تمایل داشتند که در هر حال در پایان مدت معین موضوع خاتمه یافته تلقی شود و در این مورد به مشکلات ناشی از رسیدگی به پرونده بر اثر گذشت زمان اشاره می‌نمودند. به همین علت مقرر شده است که «هر دولت عضو می‌تواند در قوانین خود چنین دعوی را پس از ۷۵ سال یا

---

۲۹. مجله انتقادی حقوق بین‌الملل خصوصی ۱۹۹۳ ص ۳۵۴.

حتي بیشتر مشمول مرور زمان بدانند». هر دولتي که مایل است بدین ترتیب عمل کند باید مراتب را هنگام امضا یا تصویب کنوانسیون اعلام نماید. مثلاً هلند هنگام امضای کنوانسیون مرور زمان ۷۵ ساله را انتخاب نمود.

۲۲. در بند ۷ ماده ۳ اصطلاح «کلکسیون عمومی» به طور بسیار موسعی مدنظر قرار گرفته و مشتمل است بر مجموعه اموال فرهنگی صورتبرداري شده یا نشده متعلق به يك دولت عضو یا يك مجموعه مذهبي، محلي، يك مؤسسه مذهبي یا مؤسسه‌اي که اهداف آموزشی یا علمی عمومی دارد. با توجه به اینکه غارت کلیساها و معابد در اروپا و آسیا از مواردی بوده که ترافیک غیرقانونی اموال فرهنگی را موجب شده لازم بود صریحاً از اموال متعلق به مؤسسات مذهبی که در برخی کشورها به عنوان مجموعه عمومی یا محلی تلقی نمی‌گردند، حمایت شود.

۲۳. بنا به درخواست صریح نماینده یونسکو بند ۸ ماده ۳ وضع شد که مربوط است به طرح دعوی «استرداد يك مال فرهنگی مقدس یا حایز ارزش جمعی متعلق

به و مورد استفاده سنتی یا مذهبی یک اجتماع بومی یا قبیله‌ای در یک کشور عضو». بدین ترتیب این مقرره اموال «مقدس و سری» بعضی اجتماعات بومی مثل بومیان استرالیا یا برخی قبایل افریقایی را در بر می‌گیرد. همچنین می‌توان اموالی را که در بسیاری مذاهب محترم و مقدس شمرده می‌شوند در داخل این گروه قرار داد.<sup>۳۰</sup> این گونه اموال که کمتر کنجکاو مردم عادی را برمی‌انگیزند و ارزش تجارتي زیادی ندارند، برای اجتماعات مذکور اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند لذا در مورد مطالبه آنها باید مرور زمان حاکم بر کلکسیونهای عمومی اجرا شود.

### ج. پرداخت غرامت به متصرف با حسن نیت

۲۴. در ماده ۴ مطلبي مهم در قسمت مربوط به استرداد اموال سرقت شده در جهت حمایت از متصرف با حسن نیت ذکر شده

---

۳۰. در تاریخ مسیحیت موارد زیادی از نقل و انتقالات غیرقانونی اجساد و اشیاء مقدس مشاهده می‌شود. مثلاً در سال ۸۲۸ دو ونیزی در اسکندریه جسد سن‌مارک را سرقت نمودند چیزی که برای عده‌ای تنها یک مسئله ارضای حس کنجکاو است ممکن است برای گروه دیگری اهمیت و ارزش ویژه‌ای داشته باشد، اعاده آن را مطالبه کنند.

کنوانسیون وحدت قوانین... ❖ ۲۰۹

است. این مقررہ حاصل تلاقی نظرات مختلف ناشی از نظام‌های حقوقی داخلی در مورد حمایت و یا قربانی کردن متصرف با حسن نیت بوده و قصد دارد ضمن رفع اختلافات، آزادی نقل و انتقال کالاها، و احترام به حق مالکیت متصرف با حسن نیت را تأمین و برضد نقل و انتقال غیرقانونی اموال فرهنگی مبارزه کند.

لذا مقرر شده متصرف یک مال فرهنگی سرقت شده که ملزم به استرداد آن است در زمان استرداد محق به دریافت مبلغی به‌عنوان غرامت منصفانه است به شرطی که احراز شود منطقی‌توانست از مسروقه بودن مال مطلع باشد. این شخص باید بتواند ثابت کند در زمان تحصیل مال کلیه مراقبت‌های لازم را معمول داشته است.

۲۵. اصل حق دریافت غرامت در صورتی جاری است که تحصیل‌کننده مال هنگام انعقاد قرارداد مربوط به تحصیل مال مراقبت و دقت لازم را معمول دارد. به‌موجب بند ۴ ماده ۴ برای احراز این امر کلیه شرایط و اوضاع و احوال زمان تحصیل مال و خصوصاً موقعیت و عنوان طرفین، قیمت



پرداختی، مشاوره تحصیل کننده با مؤسسات ذی ربط که فهرست اموال فرهنگی مسروقه را در اختیار دارند و هرگونه اسناد و مدارک مربوطه مدنظر قرار خواهند گرفت.

۲۶. منظور از «موقعیت و عنوان» طرفین، مسلماً وضعیت ایشان از جهت حرفه ای بودن آنهاست. بدیهی است وقتی دو حرفه ای با هم معامله می کنند مسئله مبنای تحصیل مال مطرح می شود. بالعکس مصرف کننده ای که مالی را از یک حرفه ای می خرد زمینه اعتماد به فروشنده را دارد هر چند باید اوضاع و احوال دیگر هم مدنظر واقع شوند: اگر نظایر مال عرضه شده با همان قیمت فروخته می شوند در این صورت خریدار مثل دیگر کسانی است که مشابه اش را از جای دیگری تحصیل می کنند لذا مراقبت چندانی از لحاظ مبنای تحصیل مال معمول نیست. بالعکس اگر موضوع معامله شيء خاصی است که حالت استثنایی و قیمت مخصوص دارد خریدار باید هوشیارانه عمل کند و با رجوع به متخصصین در مورد مبنای تحصیل مال تحقیق نماید. خریدار همچنین می تواند از فروشنده بخواهد گواهی معتبری در این مورد ارائه کند.

يك شخص عادي كه از شخص عادي ديگري مالي با اهميت را مي‌خرد طبعاً بايد احتياط لازم را به عمل آورد و مثلاً بررسي كند مال مذكور به چه طريقي به فروشنده رسیده است (ارث، بيع، ...). موارد سرقت اشياء مهم به ثبت مي‌رسند و روشهايي نيز در مورد علامتگذاري زایل نشدني روي شيء ابداع شده‌اند. بنابراین بايد از طريق مراجعه به مراجع ثبت‌کننده سرقت و يا براي بررسي در مورد وجود علامت، با مراجعه به متخصصان و كارشنا سان مربوط تحقيق نمود. به نظر ما اين طور نيست كه بار اثبات به‌طور كامل از يك طرف و طرف ديگر منتقل گردد. بار اثبات بين مالك و متصرف مال تقسيم مي‌شود: مالك براي اينكه از پرداخت غرامت معاف شود بايد ثابت نمايد كه مال فرهنگي به ثبت رسیده يا علامتگذاري شده يا حتي ثابت كند كه رسماً مالك است و اثر هنري جزئي از كلکسيون وي مي‌باشد و غيره. متصرف بنوبه خود بايد ثابت نمايد هنگام تحصيل مال احتياط لازم را معمول داشته و در صورت وقوع سرقت بايد ثابت كند چرا نمي‌توانست از مسروقه بودن مال مطلع باشد (گواهي

صادره بوسیله يك حرفه اي (...). همه چیز به اوضاع و احوال قضیه بستگی دارد این طور نیست که عملاً قاعده جدیدی به وجود آمده باشد.<sup>۳۱</sup>

وقتی شخص جواهری قدیمی را از يك جواهر فروشی یا شمش‌های طلا را از يك بانک خریداری می‌نماید اگر معلوم شود مورد معامله مسروقه بوده، خریدار ملزم به اثبات حسن نیتش نیست. همین خریدار اگر جواهرات گرانقیمت یا شمش طلا را از شخص دیگری خریداری می‌نماید برای اینکه بعداً احیاناً به عنوان مخفی‌کننده مال مسروقه تحت تعقیب واقع نشود باید نهایت احتیاط را به عمل آورد زیرا در صورت وقوع سرقت باید برای اثبات بی‌گناهی خود به قاضی ثابت کند تمام مراقبت‌های لازم را انجام داده است.

۲۷. موضوع حق دریافت غرامت از جهت پرداخت کنندگان غرامت حایز پیچیدگی بیشتری است. در بسیاری از موارد —

---

۳۱. L. V. Prott برای تشریح و روشن کردن بند ۴ ماده ۴ مثال‌های زیادی در مورد اعمال مراقبت و احتیاط در زمان تحصیل مال از آرای صادره اخیر استخراج و ارائه نموده است. رك.

"Commentary on the Unidroit Convention" Rabelz.

خصوصاً در مورد اشیاء مربوط به آفریقا یا آسیا - موزه‌ها، کلکسیونها، قبایل سلب تصرف شده قادر به پرداخت غرامت به متصرف با حسن نیت نیستند. مع ذلك وقتي حسن نیت متصرف ثابت شود معلوم می‌گردد ظاهراً واسطه‌هایی بین سارق و متصرف (ملزم به استرداد شيء) وجود داشته‌اند؛ کسانی که نقل و انتقال را قانونی وانمود کرده‌اند. به‌موجب بند ۲ ماده ۴ واسطه‌هایی که غالباً متخصص بوده و نهایتاً موجب شده‌اند تا متصرف با حسن نیت تلقی شود، به متصرف با حسن نیت غرامت پرداخت می‌نمایند.

مسئلاً قاعدة واحدي در مورد وارد کردن ثالثي در جریان دادرسي مربوط به استرداد نداریم زیرا موضوع مربوط به حقوق ترافعي است که تمایل به متحدالشکل شدن ندارد. خلاصه اینکه این قاعده فقط نشانه‌ای از هماهنگی است و تنها ابراز امیدواری شده که «تلاشهاي کافي» در این مورد صورت گیرد. بند ۳ ماده ۴ نیز مبهم است. به‌موجب این مقرره پرداخت غرامت به متصرف توسط خواهان «مانع از این نیست که خواهان به نوبه خود از شخص دیگری

مبالغ پرداختي را وصول کند». در واقع اگر ثابت شود واسطه‌اي مرتکب تقصیر شده به نظر می‌رسد در بیشتر نظام‌هاي حقوقي مسؤليت وي قابل طرح است.

۲۸. بند ۵ ماده ۴ قصد دارد با در نظر گرفتن همان وضعیت انتقال دهنده مجاني يك مال (از طریق وصیت، هبه، ...) براي انتقال گیرنده از نوعي تطهير خانوادگي مال مسروقه جلوگیری نماید.

شخصي که (اگر نه با سوء نیت ولي لااقل بر اثر بي‌احتیاطي) مال مشکوکی را تحصیل نموده ممکن است سعی کند با بخشیدن یا دادن آن به شخص با حسن نیتي جنبه غيرقانوني بودن قضیه را لوث کند. به همین دلیل در مقام اثبات و احراز حسن نیت و نتیجتاً الزام به پرداخت غرامت وضعیت انتقال دهنده مجاني مدنظر واقع می‌شود و نه موقعیت انتقال گیرنده.

#### د. حفاري و کاوش غيرقانوني

۲۹. به‌موجب بند ۲ ماده ۳ «يك مال فرهنگي که در نتیجه حفاري غيرقانوني بدست آمده یا از حفاري قانوني بدست آمده بدست آمده ولي به‌طور غيرقانوني تحصیل

شده به‌عنوان مال مسروقه تلقي خواهد شد اگر به‌موجب قانون محل حفاري چنين حكم شده باشد». اين مقررہ موجد مشکلاتي است. مقررات بسياري از کشورهاي که از نظر باستانشناسي غني هستند اشياء حاصله از حفاري را جزء اموال دولتي اعلام مي‌نمايند و بدین ترتيب هرگونه بردن اشياء مذکور سرقت تلقي مي‌شود. مثلاً در فرانسه، يونان، ايتاليا، مصر، ليبي، ترکيه، ايران و بسياري کشورهاي امريکايي لاتين و غيره چنين است. اين گونه قواعد دولت را مالک اشيائي مي‌داند که حتي از وجود آنها مطلع نيست (زيرا بنا به فرض شيء مخفي است) و لذا موجد مشکلات خاصي در روابط بين‌المللي مي‌گردد. ويترين‌هاي مربوط به آثار باستاني در لندن، آمستردام، پاریس، نيويورک، يا زوريخ حاوي اشيائي هستند که در نتيجه حفاري يافت شده‌اند. برحسب اينکه حفاري قبل و يا بعد از وضع و انتشار قانون صورت گرفته باشد، کاوش قانوني يا غيرقانوني (و شيء مسروقه در کشور مبدأ) تلقي خواهد شد. پرونده United States v. Mc Clain<sup>۳۲</sup> نمونه بسيار خوبي در اين

---

۳۲. ر.ک. زيرنويس شماره ۱۸.

مورد ارائه می‌دهد: اشیایی متعلق به کلمبیایی قدیم به امریکا منتقل شدند و دولت مکزیك به‌عنوان مالك استرداد آنها را تقاضا نمود. دادگاه این تقاضا را نپذیرفت، و اعلام داشت معلوم و محرز نیست اشیاء مورد بحث قبل و یا بعد از وضع قانون حفاظت در مکزیك تحصیل شده‌اند. مشکل مشابهی ایجاد می‌شود وقتی کنوانسیون به مرحله اجرا درآید. آیا اجرا یا عدم اجرای کنوانسیون درخصوص يك شيء بستگی خواهد داشت به اینکه حفاریهای غیرقانونی قبل یا بعد از به مرحله اجرا درآوردن کنوانسیون نسبت به دولت ذی‌نفع صورت گرفته باشند (آنچنانکه در مقررات انتقالی مورد نظر است).<sup>۳۳</sup>

۳۰. به‌موجب ماده ۵ (ج - ۱) فصل سوم پیش‌نویس کنوانسیون (در مورد عودت اموال فرهنگی که به صورت غیرقانونی خارج شده‌اند) که به کنفرانس دیپلماتیک ارجاع گردید اعاده مالی که «از محلی برخلاف مقررات دولت متقاضی در مورد کاوش اموال فرهنگی برداشته شده و از قلمرو این دولت خارج گردیده» پیش‌بینی شده بود ولی

---

۳۳. رك. شماره ۵۴.

این مصوبه (پیشنهادی امریکا) نهایتاً پذیرفته نشد.<sup>۳۴</sup>

برخی معتقدند با وضع بند ۲ ماده ۳ نیازی به مصوبه‌ای دیگر نیست و بهتر دولت متقاضی موضوع را به صورت درخواست استرداد مال به سرقت رفته مطرح کند تا به شکل درخواست عودت مالی که به‌طور غیرقانونی خارج شده است. مع ذلك کم‌کم در دکترین این فکر قدرت گرفت که بهتر بود بند ۲ ماده ۳ حذف می‌شد و مصوبه‌ای مربوط به ضمانت اجرای خارج کردن غیرقانونی باقی می‌ماند.<sup>۳۵</sup> استدلال می‌شد که قطعاً باید از اموال زیر خاکی به لحاظ ارزش علمی، باستانشناسی و تاریخی حمایت و محافظت نمود ولی لازم نیست حق مالکیت یک دولت در مورد هر گلدان سفالی یا هر چراغ نفتی که هزاران مشابه آن تولید و پخش شده‌اند، مورد حمایت واقع شود.

مع ذلك همچنانکه خواهیم دید برای اینکه بتوان درخواست استرداد یک مال

---

۳۴. رک. به متن پیش‌نویس در اسناد سابق‌الذکر ص ۱۵.  
35. V. les remarques de Mme J.A. Freedberg - Swartzberg in Medelingen Van de Nederlandse Vereniging voor International Recht, no 110, Kluwer 1995, P. 17 et John Henry Merryman "The UNDROIT Convention: Three Significant departures from the Urtext", in int. Journal of Cultural Property, Vol. 5, 1996, P. 13 et s.



خارج شده به‌طور غیرقانونی را مطرح ساخت، باید خارج شدن مال مورد نظر که از حیث باستانشناسی، ماقبل تاریخ، تاریخی و غیره حایز اهمیت است لطمه مهمی به منافع دولت متقاضی وارد نموده باشد (حفاظت مادی مال یا ترکیب آن، تمامیت یک مال مرکب، حفاظت اطلاعات، ماهیت علمی یا تاریخی اموال و غیره). در چنین حالتی ارزش مال از حیث باستانشناسی اثبات و حمایت از آن واجب و موجه می‌شود. در مورد اشیاء زیرخاکی بسیار کم اهمیت و بدون ارزش از حیث تحقیقات باستانشناسی چنین نیست.

۳۱. به عقیده ما هر دو نظر عملاً یکی هستند. اگر متخصصی از یک کشور خارجی در یک ویتترین مربوط به اشیاء عتیقه شیء زیرخاکی را که از حیث علمی ارزش زیادی ندارد، مشاهده کند در مورد طرح دعوایی با هزینه کارشناسی زیاد برای استرداد شیء مذکور تردید حاصل می‌شود. بالعکس اگر شیء مورد بحث حایز اهمیت زیادی از نظر تحقیقات باستانشناسی باشد، جا دارد دعوایی استرداد مطرح و هزینه‌های کارشناسی پرداخت شوند. مطرح بودن منافع

دولت متقاضی در این رابطه (به شرح مندرج در فصل سوم ناظر بر اموال خارج شده به طور غیرقانونی) موجب می‌شود تا در اجرای مقررات فصل دوم راجع به عودت اشیاء به سرقت رفته اقدام شود.

### ۳. عودت اموال فرهنگی که به طور غیرقانونی خارج شده‌اند الف. اصل همیاری

۳۲. مقررات فصل دوم به عنوان قانون متحدالشکلی برای تنظیم جنبه‌های مدنی سرقت‌های بین‌المللی اموال فرهنگی است در حالی که فصل سوم به صورت کنوانسیون در جهت همیاری قضایی و اداری است که به موجب آن یک دولت عضو می‌تواند رعایت و اجرای مقررات حقوق عمومی خود (ناظر بر حفاظت از میراث فرهنگی) را تأمین کند بیش‌ترین قبلاً قابلیت اجرای بین‌المللی قواعد حقوق عمومی خارجی در بعضی زمینه‌ها را مطرح نموده بود. پیش‌بینی موضوع احترام به قوانین خارجی در زمینه مبادلات در قراردادهای Bretton Woods آغازی بر این روند تلقی می‌شود.

جالب است خاطرنشان شود با اینکه در بسیاری کشورهایی که انتقال دارایی و سرمایه‌گذاری در آنها آزاد است از مقررات محدود کننده مبادلات بخوبی یاد نمی‌شود، مقررات محدود کننده در جهت حمایت از میراث فرهنگی طرفداران زیادی دارد.

۳۳. به موجب بندهای ۱ و ۲ ماده ۵ يك دولت عضو می‌تواند از دادگاه یا هر مقام صلاحیتدار يك کشور دیگر عضو بخواهد تا دستور دهد يك مال فرهنگی خارج شده به‌طور غیرقانونی یا مال فرهنگی که به‌طور موقت مثلاً برای عرضه در نمایشگاهی خارج شده ولی اعاده نگردید (در انقضای مدت مقرر) مسترد شود. در اینجا روش متخذه در کنوانسیون لاهه در مورد جنبه‌های مدنی بچه دزدی بین‌المللی که استرداد کودک غیرقانونی خارج شده یا غیرقانونی نگهداری شده در پایان مدت ملاقات را پیش‌بینی نموده، به کار گرفته شده است. مثل کنوانسیون لاهه در اینجا هم دادگاه یا مقام صلاحیتدار کشور میزبان در صورت وجود شرایط مقرر در دستور عودت مال فرهنگی را صادر می‌نماید.

کنوانسیون وحدت قوانین... ❖ ۲۲۱

همان‌گونه‌که در کنوانسیون لاهه «رأی به اعاده طفل در چارچوب کنوانسیون، در مسئله ماهوی حق حضانت تأثیر ندارد» (ماده ۱۹) رأی بر اعاده مال فرهنگی تأثیری در موضوع ماهوی حق مالکیت آن ندارد.

در فرض یاد شده مال فرهنگی قطعاً به‌طور غیرقانونی خارج شده ولی مالک قانونیش آن را خارج نموده است مثل کلکسیونری که تابلو یا مجسمه‌ای را برای فروش از آپارتمانش در پاریس به اقامتگاهش در Lac de Garde یا به یک گالری در نیویورک می‌برد. وقتی مالی سرقت و سپس به خارج برده می‌شود (موضوع ماده ۵) طبقاً در این مورد دعوای استرداد مال مسروقه مطرح می‌شود. اگر مالک سلب تصرف شده اقدامی نکند یا امکانات لازم را برای این کار در اختیار نداشته باشد می‌توان طرح دعوای استرداد مال از سوی دولتی که قواعد حفاظتش نقض شده را مد نظر قرار داد. به هر حال این حق دولت مبدأ است که نهایتاً در مورد سرنوشت مال تصمیم بگیرد.

در بسیاری از سیستم‌های حقوقی ضمانت اجرای خارج نمودن غیرقانونی مال به صورت ضبط آن است (مثل قواعد نیوزیلند مورد استناد در پرونده Ortiz).<sup>۳۴</sup> در سایر نظامها محکوم علیه مالکیت خود را بر مال حفظ نموده ولی باید جریمه‌ای بپردازد یا به زندان برود.<sup>۳۶</sup> کنوانسیون در این مورد مقررهای ندارد.

#### ب. شرایط اعاده میراث فرهنگی

۳۴. سیستم پیش‌بینی شده بسیار مؤثر است: نه تنها شرایط لازم برای طرح درخواست عودت کاهش یافته‌اند بلکه امتناع از اعاده مال به هیچ وجه موجه تلقی نمی‌شود. تنها شرط لازم این است که موضوع درخواست یک مال فرهنگی با مشخصات مذکور در ماده ۲ بوده و به علاوه خارج شدن این مال فرهنگی متضمن لطمه مهمی Significant به منافع معینی باشد (حفاظت مادی مال، تمامیت اموال مرکب، حفاظت

---

۳۴. L. Prott, P. O' Keefe خاطر نشان ساخته‌اند که ۱۴۱ سیستم حقوقی در این مورد پرداخت جریمه یا مجازات زندان را مقرر داشته‌اند و ۶۶ کشور ضبط مال را نیز پیش‌بینی نموده‌اند.

"Law and de Culturel Héritage, Precité note 4, p. 524. et s.

اطلاعات، موارد استفاده سنتی یا مذهبی) یا اینکه مال حائز یک اهمیت فرهنگی قابل توجه *Significative* (بند ۳ ماده ۵) باشد.

قسمت اخیر عبارت برای موردی است که خارج نمودن مال متضمن لطمه به حفاظت مادی، حفاظت اطلاعات یا استفاده سنتی یا مذهبی و غیره ... ولی با این حال باید ترتیب عودت آن داده شود. اشیاء هنری وجود دارند که جزئی از میراث فرهنگی فرانسه، ایتالیا یا اسپانیا محسوب می‌شوند بدون اینکه در رابطه مستقیم با فرهنگ این کشورها باشند. مثلاً یک گلدان مربوط به خاندان سلطنتی چین که از کاخ تابستانی غارت شده ممکن است در فرانسه، ایتالیا یا اسپانیا به دلیل نادر بودنش جزء میراث ملی تلقی می‌شود بدون اینکه ارزش آن از حیث فرهنگی محلی مطرح باشد.<sup>۳۷</sup> در پرونده *Leanneret v. Vichey*<sup>۳۸</sup> یک اثر نقاشی *Matisse* به‌عنوان میراث فرهنگی ایتالیا شناخته شد و اخیراً نیز *Trois*

---

37. V. Conseil d'État 7nov. 1987, Actualité juridique - droit administratif (AJDA), 1987. 710 Chron Azibat et de Boisdeffre, à propos de l'interdiction d'exporter une jarre chinoise d'époque Yuam.

38. Précitée, note 20.

Grâces اثر Canova مجسمه‌سازی که چندان انگلیسی نبود، به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی انگلستان اعلام شد و برای اینکه موزه‌های بریتانیا با مشارکت کلکسیون Thyssen بتوانند تشریفات مربوط به تحصیل آن را انجام دهند خارج نمودن مجسمه مذکور غیرقانونی اعلام گردید.<sup>۳۹</sup>

۳۵. صرف اعلام خارج نمودن غیرقانونی يك مال به وسیله يك دولت برای اعمال ضمانت اجرای مقرر در ماده ۵ کافی نیست (همچنانکه در ماده ۳ کنوانسیون یونسکو مقرر گردیده است). در این رابطه باید ورود يك لطمه و صدمه قابل توجه و مهم به منافع ذکر شده یا ارزش زیاد و قابل توجه مال از نظر فرهنگی برای دولت مربوطه، ثابت شود. در طرح پیشنهادی اولیه تهیه شده به وسیله گروه تحقیقاتی برای مورد اول ورود «لطمه مهم Significant» به منافع و برای مورد دوم وجود «اهمیت و ارزش استثنایی exceptionnelle» در نظر گرفته شده بود. پیشنهادی ارائه شده به کنفرانس

---

39. V. Emmanuelle Pierroux L'exportation d'oeuvre d'art Mémoire DEA droit privé, Reims, 1995, p. 36 et in Connaissance des Arts 1994. 141 "Albion et les Trois Grâces".

دیپلماتیک تغییر یافت و در آن به ذکر وجود اهمیت خاص Particulière مال اکتفا شد. نهایتاً تصمیم گرفته شد که برای هر دو مورد از کلمه «مهم Significatif» استفاده شود. J.H.Marryman<sup>۴۰</sup> در مقام اعتراض به این امر معتقد است وقتی خارج شدن یک مال می‌تواند موجب ورود لطمه مهم Significative مثلاً به تمامیت یک مال مرکب باشد این بدان معنا است که مال مذکور پیشاپیش حایز ارزش فرهنگی مهمی Significative می‌باشد. به نظر ما گرچه این استدلال صحیح است تفکیک مورد بحث عملاً به مقامات کشور میزبان امکان می‌دهد تا بهتر تصمیم خود بر اعاده مال را توجیه نمایند.

۳۶. باید خاطر نشان ساخت که در ماده ۵ مورد امتناع از اعاده مال پیش‌بینی نشده برخلاف کنوانسیون لاهه در مورد بچه دزدی بین‌المللی (مقرره مندرج در ماده ۷ که متعاقباً در شماره ۴۲ به آن خواهیم پرداخت مورد امتناع از عودت مال را پیش‌بینی ننموده است، این مقرره برخی اموال را از شمول سیستم مقرر در فصل

---

40. Article précité note 35, p. 15.



سوم مستثنی می‌کند). مع ذلك از جهت تفسیر کنوانسیون بی‌فایده نیست بگوییم زمانی در پیش‌نویس کنوانسیون تهیه شده به وسیله کمیته متخصصین دولتی یک مورد امتناع از عودت مال پیش‌بینی شده بود که می‌توانست موجودیت کنوانسیون را به خطر اندازد. بند ۱- الف ماده ۶ پیش‌نویس تقدیمی به کنفرانس دیپلماتیک مقرر می‌داشت دولت میزبان نمی‌تواند از صدور دستور اعاده مال فرهنگی امتناع نماید مگر اینکه (الف- مال مورد تقاضا ارتباط بیشتری با فرهنگ کشور میزبان داشته باشد...). پیش‌نویس قبلی از این هم فراتر رفته بود و وجود رابطه بیشتر با فرهنگ یک کشور عضو غیر از کشور میزبان را توجیه‌کننده امتناع می‌دانست.

۳۷. این پیشنهادات شدیداً مورد انتقاد واقع شدند. خصوصاً توسط نماینده کنفرانس لاهه که بیم داشت از اینکه بدین ترتیب نوعی «نظم عمومی فرهنگی Ordre Public Culturel» ایجاد شود و توسل آسان و راحت

به آن بتواند درخواستهاي اعاده اموال فرهنگي را با ناکامي مواجه کند.<sup>۴۱</sup>

بسياري اشياء روماني الاصل در آلمان، فرانسه، هلند، يافت شده اند، اشيائي يوناني الاصل در سيسيل يا ترکيه کشف شده اند زيرا زماني تمدنهاي رم و يونان در سرزمينهاي گسترش يافتند که در قلمرو مرزهاي کنوني نبودند: يك مجسمه يوناني يافت شده در Ephése بيشتر با يونان فعلي مرتبط است يا با ترکيه، يك تمثال حضرت مريم به بيزانس بيشتر با بيزانسهاي قديم در ارتباط است يا با آتنيها؟، يك اثر نقاشي مربوط به نقاشان فلاماند که در سراي Bourgogne کار ميکردند بيشتر به ديژون مربوط ميشود يا به Gand يا آنورس؟

ميراثهاي ملي مختلف الشکل هستند. چرا بتوان با درخواست اعاده تابلوي اثر يکي از شاگردان لئوناردو داوینچی، نقاشي شده در تورين که شخصي مالک آن است و به طور غيرقانوني به ايتاليا برده شده، مخالفت نمود به اين دليل که

---

۴۱. رك. نظريات دفتر دائمي كنفرانس لاهه در زمينه حقوق بين الملل خصوصي

114 et s. b. Actes Précités, p.

امروزه ارتباط آن با فرهنگ ایتالیا بیشتر است تا با فرهنگ رنسانس فرانسه. اتخاذ این رویه ممکن بود موجب بروز عکس‌العمل‌های شدید و نهایتاً اخلال در روابط بین‌المللی گردد. به علاوه در مورد تسری قاعده از جهت توجیه امتناع با عنوان نمودن ارتباط فرهنگی مال با یک کشور ثالث چه بگوییم؟ با پذیرش این امر در صورت خارج نمودن غیرقانونی یک اثر هنری یونانی الاصل از ترکیه به مقصد فرانسه یا هلند، درخواست ترکیه در مورد عودت آن قابل رد است به این دلیل که شیء مورد بحث بیشتر وابسته به فرهنگ یونان است تا به فرهنگ ترکیه، همچنین در مورد یک گلدان متعلق به کلکسیون پادشاهان چینی ربوده شده در اواخر قرون اخیر و خارج شده به‌طور غیرقانونی از فرانسه یا هلند به مقصد سوئیس، با درخواست فرانسه یا هلند مبنی بر اعاده مال مخالف می‌شود به استناد اینکه گلدان مذکور متعلق به فرهنگ چین است.

کنفرانس دیپلماتیک با سکوت عمده خود در خصوص این موارد امتناع عودت اموال فرهنگی، از بروز مشکلات بسیاری

جلوگیری نمود. مسکوت گذاشتن موضوع اقدامی منطقی و موجه است که دست مفسران را در جریان اجرای کنوانسیون باز می‌گذارد.

### ج. مرور زمان

۳۸. مسئله مرور زمان در بند ۵ ماده ۵ ذکر شده است به‌موجب این مقرره درخواست عودت مال فرهنگی باید ظرف مدت ۳ سال از زمانی که دولت درخواست‌کننده محل مال فرهنگی و هویت متصرف را شناخته تقدیم شود. به هر حال چنین درخواستی باید ظرف مدت ۵۰ سال از تاریخ خارج شدن غیرقانونی یا عدم اعاده مال در پایان مدتی که مال فرهنگی می‌توانسته در خارج باشد ارائه گردد. خواهیم دید که قواعد مربوط به عدم شمول مرور زمان یا مرور زمانهای طولانی مربوط به اموال عمومی یا کلکسیونهای عمومی در اینجا قابل اجرا نیستند. اصولاً خارج نمودن غیرقانونی یک مال عمومی یا مالی متعلق به یک موزه نوعی سرقت تلقی می‌شود و موضوع در چارچوب فصل دوم قرار می‌گیرد.

در واقع بسختي مي‌توان پذيرفت كه خود دولت يا موزه‌اي ملي يا محلي ترتيب خارج نمودن مالي را بدهد، امري كه قطعاً مغاير قواعد مربوط به حفاظت از آثار فرهنگي ملي است.

#### **د. تحصيل با حسن نيت مال فرهنگي**

۳۹. ماده ۶ به موازات ماده ۴ در ارتباط با پرداخت غرامت به متصرف با حسن نيت وضع شده است. به‌موجب بند ۱ ماده ۶ متصرف با حسن نيت در زمان عودت مال محق به دريافت غرامت عادلانه‌اي از دولت درخواست کننده است به شرط اينكه احراز شود در زمان تحصيل مال قاعداً نمي‌توانسته از غيرقانوني بودن خروج مال از کشور مبدأ مطلع باشد. در اينجا ذكري نشده از اينكه لازم است متصرف ثابت نمايد هنگام تحصيل مال كلييه مراقبتهاي لازم را معمول داشته فقط بند ۲ ماده ۶ اشاره دارد بر اينكه شرايط و اوضاع و احوال قضيه بررسي خواهند شد مثلاً نداشتن گواهي صدور كه به‌موجب قوانين دولت متقاضي استرداد اجباري بوده است. در فصل سوم بحق از متصرف با حسن نيت حمايت

كنوانسيون وحدت قوانين... ❖ ۲۳۱

بیشتری به عمل آمده است. در واقع در اکثر موارد چنین متصرفی مال را از مالک حقیقی یا یکی از کسانی که مال را از وی گرفته‌اند اخذ می‌کند. اینکه مالی از محل اولیه‌اش سرقت نشده باشد متصرف با حسن نیت را از نظر حقوقی در وضعیت بهتری قرار می‌دهد. از طرف دیگر برای رعایت احتیاط باید خاطرنشان ساخت که تفاوت‌های فاحش بین سرقت و خارج نمودن غیرقانونی وجود دارد. با احراز وقوع سرقت اگر موضوع قابل تعقیب باشد مالک شکایت و بیمه‌گر خود را مطلع می‌نماید، موضوع آگهی و به‌تجار اعلام می‌شود، سرویس‌های پلیس بین‌المللی در جریان قرار می‌گیرند و غیره؛ هرگونه اطلاعاتی که ممکن است به شناسایی مال کمک کند اعلام می‌شود.

در مورد خارج نمودن غیرقانونی قضیه کاملاً متفاوت است. خود مالک مال با نقض مقررات دولتی مبادرت به خارج نمودن آن می‌نماید، دولت هم نمی‌تواند روزبه‌روز تغییرات در کلکسیون‌های شخصی را کنترل کند و نتیجتاً به نبودن یک مال فرهنگی و خروج آن از کشور پی‌ببرد مگر پس از گذشتن سال‌های متمادی آن هم در جریان

فروش مال یا انجام تشریفات مربوط به ارث در خارج از کشور و غیره. بنابراین متصرف ابزار چندانی برای اعمال مراقبت در زمان تحصیل مال ندارد.

اخيراً عكس‌العمل و ابراز ناراحتی يك وزیر فرهنگ روسیه با مشاهده بسیاری از تمثالی‌های حضرت مریم مربوط به روسیه (که همه متخصصین و کلکسیونرها می‌دانند خروج این تمثالی‌ها از روسیه ممنوع است) در ویتترین‌های مربوط به اشیاء آنتیک در اروپا، در مطبوعات مهم منعکس شد.<sup>۴۲</sup>

۴۰. متصرف يك مال خارج شده به‌طور غیرقانونی نسبت به متصرف اموال مسروقه از حمایتی تکمیلی برخوردار است. به‌موجب بند ۳ ماده ۶ متصرفی که باید مال را به قلمرو دولت متقاضی استرداد برگرداند می‌تواند با توافق دولت مذکور و بجای پرداخت غرامت تصمیم بگیرد مالک مال باقی‌بماند و آن را به‌صورت یکی از اموالش در کشور مبدأ نگهداری کند با اینکه مالکیت مال مورد بحث را به اختیار و مجاناً به شخصی مقیم کشور مذکور با تضمینات لازم منتقل نماید.

---

42. V. Emmanuelle Pierroux, Mémoire Précité, note 39, P. 38.

این راه حل عاقلانه است. یک شخص آماتور فرانسوی یا اسپانیایی مقیم آلمان یا دانمارک که خیلی از بابت تحصیل با حسن نیت یک اثر هنری مربوط به فرهنگ ملیش خرسند است می‌تواند در صورتی‌که اثر هنری مذکور به‌طور غیرقانونی خارج شده، تصمیم بگیرد مالکیت آن را به فرزندانش که مقیم فرانسه یا اسپانیا هستند منتقل نماید. امتیاز این راه حل برای دولت متقاضی استرداد آن است که ترتیب استرداد مال به میراث فرهنگی داده می‌شود بدون پرداخت غرامت که ممکن است بسیار سنگین باشد.

راه حل مذکور برای بعضی کشورهای افریقایی که مایل به یافتن و اعاده میراث فرهنگی‌شان هستند ولی امکانات بسیار محدودی دارند، مفید است.

۴۱. به‌موجب بند ۴ ماده ۶ هزینه‌های اعاده مال فرهنگی با دولت متقاضی است که طبعاً خود از این بابت حق رجوع به خارج‌کننده مال را دارد. کسانی که خوبی از مفاد کنوانسیونهای همیاری قضایی و اداری مطلعند می‌دانند اجرای



این کنوانسیونها ممکن است از باب هزینه‌ها و مخارج لازم با مانع برخورد کند.

#### ه - تحدید مقررات فصل سوم

۴۲. ماده ۷ استثنایی بر فصل سوم وارد می‌کند: اموال فرهنگی که خارج نمودن آنها در زمان طرح درخواست عودت دیگر ممنوع نیست از شمول فصل سوم خارج هستند. در واقع هدف از مقررات فصل سوم تنبیه خارج کننده مال (مثل مورد سارق نیست) زیرا بنا به فرض مالک آن را به خارج می‌برد. وقتی هیچ مانعی در حال حاضر برای بردن کالا به یک کشور دیگر عضو وجود ندارد جایی برای اجرای فرایند مربوط به عودت مال نیست با وجود اینکه در زمان خارج نمودن مال مقرراتی نقض شده و دولت می‌توانسته به‌عنوان مجازات مال را ضبط نماید. ممکن است در کشور مبدأ حتی برای عمل ارتكابي (خارج نمودن غیرقانونی) قبل از وضع مقررات مبنی بر آزاد سازی نیز مجازات در نظر گرفته شده باشد. مسلماً دولت محل فعلی مال ملزم به تبعیت از این مقررات نیست.

کنوانسیون وحدت قوانین... ❖ ۲۳۵

۴۳. همچنین در صورتی که مال فرهنگی در زمان حیات خالق آن یا طی ۵۰ سال پس از مرگ وی، از کشور خارج شود مقررات فصل سوم قابل اجرا نیستند. بدین ترتیب کنوانسیون عامداً و بحق از هرگونه تأخیر و رکورد در تجارت بین‌المللی آثار هنری معاصر جلوگیری می‌کند.

مسئله سیستم‌های حقوقی سخت‌گیرتر می‌توانند کماکان خارج نمودن آثار هنری هنرمندان زنده یا هنرمندان فوت شده پس از مدت کمی از تاریخ فوتشان را ممنوع اعلام دارند.<sup>۴۳</sup> ولی چنین قواعدی به وسیله کنوانسیون و از جنبه بین‌المللی حمایت نمی‌شوند. این راه حل خوبی است زیرا منافع مالی هنرمندان معاصر در قید حیات و وراثت بلاواسطه آنها را حمایت می‌کند.

در مورد اموال فرهنگی مقدس که برای مقاصد سنتی یا مذهبی جوامع بومی یا قبیله‌ای ایجاد شده‌اند بنحو دیگری عمل می‌شود. در این حالت حقوق خالق یا خالقین مال در بطن خود جامعه نهفته است

---

۴۳. در ۱۹۹۳ در فرانسه درخواست صدور اجازه خروج La Fermière اثر Miro، La Sarah اثر Fautrier هنرمندانی که مدت کمی از مرگشان گذشته بود، رد شد.

و این منافع جمعی است که باید با عودت مال حمایت شود حتی اگر مال اخیراً خلق شده است. به همین علت استثنای مذکور در بند ۲ ماده ۷ بنا به درخواست نماینده یونسکو در کنوانسیون قرار داده شده است.

#### ۴. مقررات کلی

۴۴. این فصل ۳ موضوع مهم عملی را مطرح می‌نماید: صلاحیت قضایی، اجرای قواعد مساعدتر در مورد استرداد یا عودت مال و عطف به‌ماسبق نشدن مقررات کنوانسیون.

#### الف. صلاحیت قضایی

۴۵. بررسی تطبیقی نشان می‌دهد در مورد دعاوی مربوط به اموال منقول صلاحیت خاصی برای دادگاه محل وقوع مال مقرر نشده است. به‌موجب اصول سنتی صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده یا در سیستم کامن‌لا، دادگاه محل ابلاغ احضاریه به خوانده پذیرفته شده است. در حقوق قراردادی و خصوصاً در کنوانسیونهای بروکسل و لوگانو اصل صلاحیت دادگاه محل

کنوانسیون وحدت قوانین... ❖ ۲۳۷

وقوع مال منقول به عنوان انت‌خابي براي خواهان در نظر گرفته نشده است. بند ۲ ماده ۳ اين كنوانسيونها صريحاً صلاحيت دادگاه محل توقيف Forum arresti را رد مي‌كند در حالي‌كه پروتكل الحاقى به كنوانسيون لاهه در مورد شناسايي و اجراي احكام خارجي در امور مدني و تجاري از ۱۹۷۱/۲/۱ گرچه اصل صلاحيت مبتني بر محل توقيف مال را محكوم مي‌كند قائل به استثنا مي‌شود وقتي‌كه «درخواست ارائه شده در مورد مالكيت يا تصرف اموال يا مربوط به دعاوي ديگر مربوط به آنها است».<sup>۴۴</sup>

به همين علت بود كه هنگام انجام كارهاي مقدماتي، ناظر كنفرانس لاهه درخواست نمود اصل صلاحيتي اختصاصي بر مبناي محل وقوع مال فرهنگي در مورد دعاوي مربوط به عودت يا استرداد مقرر گردد. آيا لازم بود پيشتر رفته و فهرستي از موارد صلاحيت ممكن براي دعاوي مربوط به سرقت يا بهره‌برداري غيرقانوني از اموال فرهنگي ارائه شود؟ بعضي با

---

۴۴. براي مطالعه متن پروتكل رك. همين مجله ۱۹۶۷ ص ۲۰۳.

اعتقاد به این امر بر مبنای قاعده‌ای قدیمی پیشنهاد نمودند که صلاحیت دادگاه اقامتگاه خوانده و دادگاه محل وقوع مال پذیرفته شود، پیشنهادی که خطرناک به نظر می‌رسید. اگر قرار است فهرست محدود کننده باشد برای چه در مورد استرداد اموال فرهنگی صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم (سرقت) کنار گذاشته شود و یا در حالت وجود شرکای جرم (که در مورد اموال فرهنگی زیاد پیش می‌آید وقتی که دزدان و مال خران با هم کار می‌کنند) چرا صلاحیت دادگاه محل اقامتگاه مشترک خواندگان را نپذیریم؟ و غیره اگر قرار است فهرست محدود کننده نباشد فایده برشمردن موارد صلاحیت چیست؟

۴۶. باید موضوع دیگری هم مد نظر قرار می‌گرفت: درخواست استرداد مال مسروقه موضوعی است در محدوده حقوق خصوصی (حتی اگر مالک سلب تصرف شده دولت با یک سازمان دولتی است) و مشمول اصول صلاحیت قضایی در حقوق خصوصی قرار می‌گیرد (مثلاً مشمول مقررات کنوانسیونهای بروکسل و لوگانو یا کنوانسیونهای امریکایی) حال آنکه در مورد درخواست دولتی مبنی

بر استرداد يك مال فرهنگي كه به‌طور غيرقانوني خارج شده موضوع كاملاً متفاوت و مربوط به حقوق عمومي است و خارج از محدوده كنوانسيونهاي مربوط به صلاحيت قضايي در چارچوب حقوق خصوصي مطرح مي‌شود و اين در حالي است كه در حقوق عرفي قواعد مربوط به صلاحيت قضايي بين‌المللي بسيار كم‌اند.

۴۷. به همين دليل پذيرفته شد كه يك قاعده صلاحيتي بين‌المللي واحد يعني صلاحيت دادگاه محل وقوع مال فرهنگي برقرار شود كه متقاضي استرداد همواره بتواند به آن استناد كند اعم از اينكه موضوع مربوط به حقوق عمومي باشد يا حقوق خصوصي. اين قاعده صلاحيتي احياناً مي‌تواند در كشورهاي عضو براي حل مشكل در چارچوب حقوق عرفي يا حقوق قراردادي به ديگر قواعد صلاحيتي اضافه شود. بدین ترتیب بند ۱ ماده ۸ در روابط بين دول عضوي كه عضو كنوانسيونهاي بروكسل و لوگانو هستند اجازه مي‌دهد اصل صلاحيتي جديدي در كنار صلاحيت دادگاه محل اقامتگاه خوانده (ماده ۲)، دادگاه محل وقوع جرم (مواد ۳، ۴ و ۵) و دادگاه محل

اقامتگاه مشترك خواندگان (بند ۱ ماده ۶) در نظر گرفته شود. صلاحیت دادگاه محل وقوع مال عملاً بیشتر مورد استفاده واقع می‌شود زیرا در رابطه با کشورهای قواعده کنوانسیونی مشابه قواعده کنوانسیونهای بروکسل و لوگانو ندارند، موجب سهولت در اجرای حکم صادره می‌گردد. به هر حال در مورد عودت اموال خارج شده به‌طور غیرقانونی، صلاحیت دادگاه محل وقوع مال تقریباً انحصاری است. بعید به نظر می‌رسد که دولت الف، در محاکم کشور ب درخواست اعاده يك مال واقع شده در کشور ج را مطرح نماید، مع ذلك این امر کاملاً غیرممکن نیست. ممکن است متصرف مال فرهنگی در يك کشور عضو اقامت داشته و کاملاً شناسایی شده باشد (مثلاً به دلیل اینکه در یکی از کاتولوگهای مربوط به کلکسیونهایش از مال فرهنگی مورد بحث نامبرده شده است) ولی مال در کشور ثالثی واقع باشد (کشوری که حیثاً غیرعضو است). در چنین شرایطی ممکن است با مراجعه به دادگاه محل اقامت خواننده درخواست صدور دستور مبنی بر استرداد مال بجای اولیه اش را مطرح کرد که ممکن است

کنوانسیون وحدت قوانین... ❖ ۲۴۱

نهایتاً برحسب نوع سیستم حقوقی مربوط  
منجر شود به صدور حکم به محکومیت کیفری  
یا محکومیت به پرداخت اجرای نقدی.

۴۸. به موجب بند ۲ ماده ۸ طرفین  
می‌توانند با توافق یکدیگر اختلافشان را  
به یک دادگاه یا مقام صلاحیتدار دیگر و  
یا به داوری ارجاع نمایند. گرچه در  
مورد سرقت غیرمحمول است که توافقی بین  
صاحبمال و سارق در این مورد صورت گیرد،  
در رابطه بین مالک سلب تصرف شده و  
تحصیل‌کننده مالی مسروقه این امر  
تحقق‌پذیر است. در جریان رسیدگی باید  
میزان حسن نیت متصرف ارزیابی شده و  
مبلغ غرامت مشخص گردد. همچنین ممکن است  
دادگاه خاصی را انتخاب و یا موضوع را  
به مقام صلاحیتدار دیگری مثلاً یک میانجی  
ارجاع کرد که می‌تواند به‌طور مؤثری  
درخواست استرداد مال خارج شده به‌طور  
غیرقانونی را مورد رسیدگی قرار دهد.  
وقتی که قرار است موارد مندرج در  
بندهای ۲ و ۳ ماده ۶ مورد بررسی واقع  
شوند ارجاع امر به داوری نیز می‌تواند



راه حل خوبی باشد خصوصاً وقتی که يك دولت درگیر مسئله است.<sup>۴۵</sup>

۴۹. به موجب بند ۳ ماده ۸ ا قدامات حفاظتي و موقتي در محل وقوع مال قابل اجرا هستند حتي اگر درخواست در ماهيت امر استرداد يا عودت مال نزد محاکم يك کشور ديگر عضو مطرح شده باشد. اين قاعده از ماده ۲۴ کنوانسيون بروكسل اقتباس شده و خصوصاً وقتی مجال اجرا مي يابد که مسئله اجراي حکم در روابط بين کشورهاي مربوطه مدنظر است. خواهيم ديد که کنوانسيون هيچ مقرره اي در مورد اجراي تصميمات مربوط به استرداد يا عودت مال ندارد. وضع چنين قواعدي در کنوانسيون آن را خيلي پيچيده مي کرد و مستلزم دخالت متخصصين امر بود. همچنين از وضع مقرراتي در خصوص موارد امتناع از اجراي حکم به استناد نظم عمومي اجتناب و بدین ترتيب از ايجاد بحث و جدلهاي پيچيده و در عين حال جالب جلوگیری شد. به علاوه وضع قواعدي در مورد اجراي احکام صادره در زمينه حقوق

---

45. E. Sidorski, "1995 Unidroit Convention on Stolen or illegally Exported Cultural objects: The Rule of International Arbitration", International Journal of Cultural Property 1996 P. 19.

عمومي کاري مهم و سنگين بود. احکام صادره در مورد استرداد اموال سرقت شده در چارچوب اتحادیه اروپا تحت پوشش کنوانسیونهای بروکسل و لوگانو هستند. احکام صادره در مورد اعاده اموال فرهنگی خارج شده به طور غیرقانونی مشمول این کنوانسیونها نبوده و لذا از تسهیلات مقرر در این کنوانسیونها از جهت اجرای حکم برخوردار نیستند.<sup>۴۶</sup>

#### ب. قواعد مساعدتر

۵۰. به موجب بند ۱ ماده ۹ کنوانسیون يك دولت عضو مي‌تواند قواعد مساعدتري را در رابطه با استرداد يا عودت اموال فرهنگی به سرقت رفته يا خارج شده به طور غیرقانونی وضع و اعمال نماید. دیدیم که بعضی از سیستمهای حقوقی در مورد اموال به سرقت رفته، با حمایت بیشتر از صاحب مال استرداد مال بدون پرداخت غرامت به متصرف با حسن نیت را مقرر می‌نمایند (سیستم کامنلا، آلمان ...). چنین کشورهایی مایل نیستند در صورت طرح

۴۶. رك. به نظریات ما در

Medeligen Van de Nederlandse Vereniging Voor International Recht Kluwer. 1995, n. 110, p. 30.

تقاضای استرداد مال در قلمروشان، از حمایت از مالک سلب تصرف شده باز بمانند. مثلاً اگر مالی در فرانسه به سرقت رفته و در امریکاست (محل دعوا) قانون امریکا با حمایت از مالک فرانسوی مقرر دارنده استرداد مال، بدون پرداخت غرامت به متصرف با حسن نیت امریکایی است (با تصویب کنوانسیون یونسکو ۱۹۷۰ ایالات متحده امریکا حق دریافت غرامت را موکول به عمل متقابل دولت درخواست کننده نموده است). همچنین اتخاذ قاعده مساعدتر می‌تواند به صورت زیاد کردن مهلت طرح درخواست استرداد مال باشد مثلاً افزایش مدت مرور زمان از ۳ سال به ۵ سال.

۵۱. در مورد عودت اموال فرهنگی خارج شده به‌طور غیرقانونی کشور میزبان می‌تواند قواعد مساعدتری را نیز از جهت مرور زمان در نظر گیرد یا قواعد ناظر بر اموال خارج شده در زمان حیات خالق یا در مدت کمتر از ۵۰ سال بعد از فوت وی را اجرا کند یا اینکه هزینه‌های مقرر در بند ۴ ماده ۶ را به دولتی غیر از دولت متقاضی تحمیل نماید. پیش‌نویس ماده

کنوانسیون وحدت قوانین... ❖ ۲۴۵

مطروحیه در چهارمین اجلاس هیه کمیته متخصصین دولتی طی مقرراتی بسیار مفصل تمام موارد اجرای قواعد مساعدتر را پیشبینی می‌نمود.<sup>۴۷</sup> با بررسی این موارد درمی‌یابیم که چرا ترجیح داده شد موضوع به صورت کلی و مختصر عنوان شود.

۵۲. زمانی پیش‌نویس مقرر می‌داشت هر دولت عضو می‌تواند مقررات فصل دوم را به مورد عملیات مجرمانه غیر از سرقت که موجب سلب تصرف از متقاضی استرداد شده‌اند تسری دهد.<sup>۴۸</sup> هر چند ماده ۹ (که نهایتاً تصویب شد) تنها واضح قواعد مساعدتر در مورد استرداد اموال به سرقت رفته است، مسلماً هر دولت عضو می‌تواند در صورت طرح دعاوی استرداد در محاکم قضایی قواعد کنوانسیون را در مورد سایر انواع بردن مال غیر از سرقت (مثل کلاهبرداری، خیانت در امانت و غیره) اجرا نماید. به علاوه ممکن است در بعضی از سیستم‌های حقوقی چنین مواردی پیش‌پیش مثل سرقت تلقی شده و همان ترتیب در موردشان اعمال گردید.

---

۴۷. برای مطالعه متن ر.ک. Les observations de L' UNESCO, Actes Précités, P. 108. et s.

48. Actes Précités, P. 108. 2<sup>e</sup> Colonne.

۵۳. بند ۲ ماده ۹ بنحو بسیار مبهمی مقرر می‌دارد: «مقررات این ماده مورد تعهد و الزامی در مورد شناسایی یا ترتیب اثر دادن به رأی صادره از یک دادگاه یا یک مقام صلاحیتدار یک دولت دیگر عضو که مقررات این کنوانسیون را اجرا نمی‌کند، نیست». نمایندگان برخی کشورها در جریان کنفرانس دیپلماتیک تلاش زیادی برای تصویب این مقررره نمودند، مقررره‌ای که در واقع در مقام بیان امری بدیهی است و طرح آن احتمالاً برای تحت تأثیر قرار دادن مسائل ماهوی بوده است. مسلماً وقتی دولتی موضوع مساعدتری در مورد استرداد اموال فرهنگی اتخاذ می‌نماید (مثلاً با افزایش مدت مرور زمان یا محدود کردن پرداخت غرامت به موارد درخواستهای استرداد مطروحه در محاکمش) این امر الزامی برای دیگر دول از جهت اتخاذ موضعی مناسبتر در قبال یک متقاضی استرداد تبعه یا مقیم کشور مذکور ایجاد نمی‌نماید. اصل رفتار متقابل به‌طور خودبه‌خود و اتوماتیک در خصوص قواعد

اختیاری جاری نمی‌شود، هرچند در مورد رزوها قابل اجرا است.<sup>۴۹</sup>

اگر در ایالات متحده امریکا حکمی صادر شود مبنی بر استرداد مال سرقت شده به یک فرانسوی بدون پرداخت غرامت به متصرف امریکایی با حسن نیت، فرانسه و محاکمش ملزم به اتخاذ این رویه در موارد مشابه نیستند و می‌توانند مقرر دارند مالک امریکایی به متصرف با حسن نیت ملزم به استرداد مال، غرامت بپردازد. در واقع به موجب بند ۲ ماده ۲ وقتی که مسئله شناسایی یا اجرای یک رأی در یک کشور دیگر عضو مطرح باشد موضوع متفاوت است. فرض کنیم یک شخص مقیم ایالت متحده امریکا در فرانسه با حسن نیت یک مال فرهنگی سرقت شده را تحصیل نموده باشد وقتی مالک مالباخته درخواست استرداد مال را در محکمه امریکایی محل اقامتگاه خوانده مطرح می‌نماید مال هنوز در فرانسه است، دادگاه مذکور حکم به استرداد مال بدون پرداخت غرامت می‌دهد: مقرر بند ۲ ماده ۹

---

۴۹. رك. مقاله نویسنده در مجله انتقادی حقوق بین‌الملل خصوصی ۱۹۶۹، ص ۳۸۱.

می‌تواند بمنزله اخطار و هشدار باشد بر اینکه ممکن است نظم عمومی فرانسه اجرای حکم امریکایی (مبنی بر استرداد بدون غرامت) را اجازه ندهد. چون کنوانسیون مسئله اجرای احکام صادره را پیش ننموده نهایتاً نتیجه می‌گیریم که در این مورد چیزی به حقوق عرفی یا کنوانسیونی اضافه نمی‌کند.

### ج. حقوق انتقالی

۵۴. مقرر ماده ۱۰ در مورد حقوق انتقالی از جنبه سیاسی واجد اهمیتی خاص است. در تمام مدت انجام کارهای مقدماتی طرح مسئله اجرای کنوانسیون در زمان رد شد و پیش‌نویس ارائه شده به کنفرانس دیپلماتیک هیچ مقرره‌ای در این زمینه نداشت. مع ذلك حس می‌شد که گرچه يك اکثریتی از متخصصین دولتی در پی وضع مقرراتی صرفاً ناظر بر آینده بودند، بعضی نمایندگان دولتی که میراث فرهنگی و باستانشناسی آنها در گذشته لطمات زیادی دیده بود میل داشتند کنوانسیون تا حدی نسبت به گذشته نیز تأثیر نماید که خوشبختانه چنین شد. در واقع اگر وضع

کنوانسیون وحدت قوانین... ❖ ۲۴۹

مقررات خشك و قاطع براي استرداد اموال سرقت شده يا عودت اموال خارج شده به طور غيرقانوني مدنظر بود بايد مقرراتي ناظر بر آينده و به ترتيبی وضع می‌شد که تمامی دست‌اندرکاران نقل و انتقال بين‌المللي اموال فرهنگي بدانند اعمال آينده ایشان تحت شمول مقررات کنوانسيون خواهد بود. در اين صورت اجرائي چنین مقرراتي بر امور واقعه درگذشته، ممکن است به حقوق مکتسبه لطمه وارد آورده و نارسايیها و ناراحتیها را تشدید کند.

۵۵. کنوانسيون فقط در مورد اموال فرهنگي سرقت شده بعد از به مرحله اجرا درآمدن کنوانسيون نسبت به دولت محل تسليم درخواست اعمال می‌شود، مع ذلك علاوه بر این برای اجرائي مقررات کنوانسيون لازم است مال فرهنگي در سرزمين يك دولت عضو بعد از به مرحله اجرا درآمدن کنوانسيون در این کشور سرقت شده باشد یا اینکه مال در يك کشور عضو بعد از به مرحله اجرا درآمدن کنوانسيون نسبت به این کشور یافت شود. می‌توان موضوع را به صورت زیر توضیح داد: فرض کنیم فرانسه و سوئیس از قبل عضو باشند ولي روسیه عضو



نباشد، اگر درخواست استرداد مالی در فرانسه که محل وقوع مال است مطرح شود کنوانسیون قابل اجرا می‌شود و رأی فرانسوی به لطف کنوانسیون لوگانو در سوئیس اجرا خواهد شد. اگر درخواست استرداد در فرانسه مطرح شده باشد ولی مال سرقت شده در سوئیس در روسیه واقع باشد کنوانسیون در اینجا هم قابل اجرا است ولی معلوم نیست رأی صادره در روسیه شناسایی و اجرا شود. بالاخره اگر درخواست استرداد مال در فرانسه مطرح شده باشد (مثلاً در اقامتگاه خوانده) ولی سرقت در روسیه واقع و مال در آرژانتین یافت شود (کشور غیرعضو) کنوانسیون قابل اجرا نیست. به هر حال به نظر نمی‌رسد اصولاً اجرای کنوانسیون در چنین وضعیتی مؤثر و مطلوب باشد.

۵۶. در مورد اعاده اموال خارج شده به‌طور غیرقانونی موضوع بسیار سهل‌تر است. فصل سوم فقط در مورد يك مال فرهنگی خارج شده به‌طور غیرقانونی بعد از به مرحله اجرا درآمدن کنوانسیون (هم نسبت به دولت درخواست کننده و هم نسبت به دولت طرف درخواست) اجرا می‌شود. این

کنوانسیون وحدت قوانین... ❖ ۲۵۱

روش بخودي خود موجه است زیرا کنوانسیون در پی برقراري همکاري قضايي و اداري بين المللي است که خود مستلزم رفتار متقابل دولتهاست و کنوانسیون دو دولت ذي نفع را به هم مرتبط مي سازد.

۵۷. براي اينکه کمی هم به پیشنهادهاي نمايندگان کشورهاي که ميراث فرهنگيشان در گذشته لطمه دیده توجه شود بند ۳ ماده ۱۰ مقرر مي دارد کنوانسیون «به هیچ وجه عمليات غيرقانوني از هر نوع که قبل از به مرحله اجرا در آمدن کنوانسیون انجام شده يا عملياتي که بندهاي ۱ و ۲ اين ماده از شمول کنوانسیون خارج نموده اند را قانوني و مشروع نمي داند و به هیچ وجه محدود کننده حق يك دولت يا شخص ديگر براي طرح دعواي استرداد يا عودت اموال فرهنگي سرقت شده يا خارج شده به طور غيرقانوني قبل از به مرحله اجرا در آمدن کنوانسیون، نيست». در نتيجه اگر دولتي قواعد مساعدتري در مورد حفاظت از ميراث فرهنگي خارجي دارد اين قواعد در مورد اعمال انجام شده قبل از به مرحله اجرا در آمدن کنوانسیون قابل اجرا

هستند. در همین راستا متعاقب رویه قضایی Danusso<sup>۵۰</sup> می‌توان صادرات غیرقانونی به ایتالیا طی عملیات انجام شده قبل از به مرحله اجرا درآمدن کنوانسیون نسبت به ایتالیا را مورد مجازات قرار داد. به هر حال و در لوای ماده ۹ ناظر بر قواعد مساعدتر می‌توان گفت یک دولت آزادی کامل دارد تا در چارچوب سیستم حقوقی خود تصمیم بگیرد مقررات کنوانسیون را در مورد درخواستهای استرداد یا عودت اموال سرقت شده یا خارج شده به‌طور غیرقانونی قبل از به مرحله اجرا درآمدن کنوانسیون نسبت به این کشور اجرا نماید.

دفتر دائمی کنفرانس لاهه در زمینه حقوق بین‌الملل خصوصی این موضوع را مطرح می‌نمود که آیا بهتر نیست دولتی که کنوانسیون را تصویب می‌کند طی اعلامیه‌ای تصریح نماید که فقط اجرای کنوانسیون را برای آینده مد نظر دارد یا اینکه آن را نسبت به گذشته نیز قابل اجرا می‌داند یا زمان خاصی را برای شروع اجرای کنوانسیون تعیین کند؟

---

50. Danusso Précité note - 21.

در واقع یکی از اهداف کنوانسیون برقراری تجارت مشروع و قانونی اموال فرهنگی است از طریق الزام متخصصین و خریداران به اعمال مراقبت و احتیاط لازم. به نظر دفتر دائمی کنفرانس از زمان مذاکرات مربوط به کنوانسیون و امضای آن می‌توان فرض کرد که متخصصین و کلکسیونرها از وجود آن و رویه متخذه در نظم بین‌المللی آگاهند و می‌توانند مراقبتهای لازم را معمول دارند. این احتمال که کنوانسیون در کشور محل استقرار ایشان متعاقب تصویب فوراً به مرحله اجرا درآید غیرقابل تصور نیست و این خود می‌تواند نشانه و علامتی برای انجام احتیاط لازم باشد.<sup>۵۱</sup>

این پیشنهاد نهایتاً پذیرفته نشد ولی همانطور که قبلاً نیز اشاره نمودیم یک دولت می‌تواند با وضع مقرره‌ای خاص دامنه اجرای کنوانسیون در زمان را گسترش دهد.

---

۵۱. برای مطالعه نظریات دفتر دائمی کنفرانس لاهه در مورد حقوق بین‌الملل خصوصی رک. اسناد سابق‌الذکر، ص ۱۱۷، شماره‌های ۱۴ و ۱۵.

عطف بماسبق نشدن قوانین اصلی است که باید در مورد قواعد مساعدتر برای حفاظت از میراث فرهنگی تعدیل شود.

#### ۵. مقررات نهایی

۵۸. مقررات نهایی پروتکلی همان قواعدی قدیمی هستند،<sup>۵۲</sup> مع ذلك خاطر نشان می‌شود که کنوانسیون بعد از تقدیم پنجمین سند تصویب یا عضویت به مرحله اجرا درخواهد آمد (ماده ۱۲). قاعده‌ای قدیمی در مورد سیستم‌های مختلف الشكل و غیرواحد وجود دارد (ماده ۱۴). جدیدترین قاعده، مقررده ماده ۱۶ در مورد نحوه رسیدگی به درخواست استرداد یا عودت ارائه شده به وسیله یک دولت (و نه یک شخص) است. هر دولت باید تعیین کند درخواست یک دولت دیگر در مورد استرداد به کدامیک از مقاماتش و از چه طریق باید ارائه شود؟ در روابط بین اشخاص دلیلی نبود تا از مقررات عادی رسیدگی عدول شود.

---

۵۲. ماده ۱۸ حاوی مقررده‌ای قدیمی است: «هیچ رزروی خارج از آنچه صریحاً به وسیله کنوانسیون اجازه داده شده پذیرفته نیست».

به هرحال ماده ۱۶ خللی به موافقتنامه‌های دوجانبه و چندجانبه همکاری قضایی در امور مدنی و تجاری که ممکن است بین دول عضو منعقد شده باشد وارد نمی‌کند و متضمن عدول از مقررات آنها نیست. به موجب ماده ۲۰ رئیس کنفرانس وحدت قوانین می‌تواند در مواعیدی یا به درخواست دولت، کمیته خاصی را برای بررسی عملکرد کنوانسیون تشکیل دهد. کنفرانس لاهه در زمینه حقوق بین‌الملل خصوصی مبتکر تشکیل کمیته‌های پیگیری برای اجرای کنوانسیونهای خود در مورد همکاریهای قضایی و اداری بوده است. این رویه عمومی شده زیرا بدین ترتیب مسئولین دولتهای عضو می‌توانند با هم ملاقات نموده و مشکلات مطروحه را مورد بحث قرار دهند. ایجاد چنین کمیته‌ای برای اجرای مقررات مربوط به استرداد اموال خارج شده به‌طور غیرقانونی اهمیت بسیار دارد.

۵۹. مهمترین قاعده در ماده ۱۳ ذکر شده که به موجب بند ۱ آن کنوانسیون خللی به اسناد بین‌المللی امضا شده توسط یک دولت عضو که او را از نظر حقوقی متعهد

ساخته و متضمن مقرراتی در خصوص موضوعات مطروحه در کنوانسیون است، وارد نمی‌کند مشروط بر اینکه خلاف این امر توسط دول عضو اسناد و معاهدات مذکور عنوان نشده باشد. این یک قاعده قدیمی است و در مورد صلاحیت قضایی در خصوص درخواستهای مبنی بر استرداد اموال سرقت شده عملاً قابل اجرا است: در اروپا مقررات کنوانسیونهای بروکسل و لوگانو مشخص می‌کنند چه محاکمی علاوه بر محکمه محل وقوع مال که صلاحیتش در ماده ۸ مقرر شده صلاحیت رسیدگی دارند. مع ذلك این قاعده انعقاد موافقتنامه‌های دوجانبه بین دولت‌ها در مورد حفاظت متقابل از میراث فرهنگی‌شان را اجازه می‌دهد.

باید خاطرنشان ساخت که قاعده مندرج در ماده ۱۳ در روابط بین کنوانسیون یونسکو ۱۹۷۰ و کنوانسیون وحدت قوانین دخالت نمی‌کند زیرا مقررات این دو کنوانسیون کاملاً سازش‌پذیر هستند.<sup>۵۳</sup> می‌توان گفت کنوانسیون وحدت قوانین مکمل کنوانسیون یونسکو است.

---

۵۳. در این مورد رك.

Lyndel v. Prot. "A Partnership against Trafficking in Cultural objects, Revue de droit Uniforme, 1996, P. 59 et s.

۶۰. بند ۲ ماده ۱۳ (مثلاً) کنوانسیونهای لاهه در مورد همکاری اداری (یا قضایی) حاوی قاعده‌ای سنتی است که به موجب آن هر دولت عضو می‌تواند با توافق دیگر دول عضو ترتیباتی را برای فراهم نمودن زمینه اجرای کنوانسیون در روابط فیما بین برقرار نماید. به موجب بند ۳ ماده ۱۳: «دولتهای عضو کنوانسیون که در عین حال عضو سازمانهای همکاری اقتصادی یا همکاریهای منطقه‌ای هستند می‌توانند اعلام نمایند که در روابط فیما بین قواعد داخلی این سازمانها یا نهادها را اجرا می‌نمایند و نتیجتاً مقررات کنوانسیون حاضر را که دامنه عملکردش با محدوده عمل سازمانهای ذکر شده تلاقی می‌یابد، اجرا نمی‌کنند».

این مقرر صریحاً به دولتهای عضو اتحادیه اروپا اجازه می‌دهد تا مقررات منبعت از قطعنامه شورای اروپا مورخ ۱۵ مارس ۱۹۹۳ در مورد اموال فرهنگی خارج شده به طور غیرقانونی از قلمرو یک دولت عضو را اجرا نمایند.<sup>۵۴</sup> مع ذلك باید توجه

---

۵۴. مجله انتقادی حقوق بین‌الملل خصوصی ۱۹۹۳ ص ۳۵۴ و همچنین:



داشت که این امر بمنزله اجازه عدول اتوماتیک و خودبـخود از مقررات کنوانسیون نیست. (برخلاف آنچه مورد نظر کمیسیون اتحادیه‌های اروپایی بود) و هر دولت عضو باید هنگام تقدیم سند مربوط به تصویب، پذیرش، الحاق به کنوانسیون این مورد را تصریح و اعلام نماید. می‌توان گفت که لا اقل یک دولت یعنی یونان احتمالاً به این امر استناد نخواهد کرد. شورای اتحادیه‌های اروپایی قطعاً می‌تواند با اکثریت زیادی بر مبنای ماده ۱۱۶ معاهده رم استناد به شرط عدول از کنوانسیون را به دولتها تحمیل نماید. مع ذلك دولي که نمی‌خواهند تمکین کنند می‌توانند به خصیصه سازمان اقتصادی پیش‌بینی شده در ماده ۱۱۶ معاهده استناد نموده و اعلام اعتراض کنند. همچنین دولتهای عضو می‌توانند در مقام اعتراض

---

Cette Revue 1993, p. 354; l'ouvrage le Plus récent sur la matière est celui de Guido Carducci cité supra, note 13. V. aussi v. Dung Lai Margue L'exportation des biens culturels dans le cadre du grand marché, Revue du Marché unique européen 1993. 89; D. Voudouri, Revue droit public 1994, P. 479 et 8.; J.F. Poli la Protection des biens culturels meubles Par le droit communautaire, Revue de recherche juridique 1993. 847 et La protection des biens culturels, meubles Paris, LGDJ 1996; Jan de Ceuster Les règles communautaires en matière de restitution de biens culturels ayant quitté illicitement le territoire d'un État membre, Revue du marché unique européen 1993, P. 33 et s.

کنوانسیون وحدت قوانین... ❖ ۲۵۹

استدلال نمایند که با توجه به ماده ۹ کنوانسیون و هدف قطعنامه که تأمین مؤثر حفاظت ملی است و نه ایجاد وحدت یا هماهنگی قواعد ناظر بر حفاظت، اجرای احتمالی یک قاعده کنوانسیون که حاوی مقرره‌ای مساعدتر نسبت به قطعنامه است (که خود در موارد متعددی موضوع را به قاعده مساعدتر احاله می‌دهد)، نمی‌تواند لطمه‌ای به برتری حقوق اتحادیه اروپا وارد نماید. در چارچوب این قطعنامه دولتها از طریق مقامات مرکزی برای استرداد مال فرهنگی خارج شده به‌طور غیرقانونی اقدام می‌نمایند. درست مثل کنوانسیون وحدت قوانین در اینجا هم پرداخت یک غرامت عادلانه به متصرف با حسن نیت پیش‌بینی شده است. تنها اختلافات فاحش بین سیستم متخذه در قطعنامه و فصل سوم کنوانسیون وحدت قوانین است مربوط است به مسئله مرور زمان که در قطعنامه به یک سال از زمان پی‌بردن دولت عضو متقاضی استرداد به محل مال فرهنگی و هویت متصرف یا تحصیل‌کننده مال و در هر صورت نهایتاً تا ۳۰ سال از زمان خارج شدن مال فرهنگی از قلمرو دولت عضو

متقاضي استرداد، کاهش یافته است. به علاوه برخلاف کنوانسیون وحدت قوانین در مورد اموال متعلق به يك كلکسیون عمومي، مدت مرور زمان حداقل ۷۵ سال است.

۶۱. در مورد رابطه قواعد اتحادیه اروپا با کنوانسیون وحدت قوانین باید خاطر نشان کرد که طبق تصمیم مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۲ شورا، خارج نمودن اموال فرهنگی موكول به اخذ اجازه خروج است و بدین ترتیب ضابطه تشخیص غیرقانونی بودن خروج يك مال فرهنگی از نظر يك دولت عضو اتحادیه مشخص شده است. مع ذلك در کشورهایی که عضو کنوانسیون وحدت قوانین هستند ولي عضو اتحادیه اروپا نمی باشند برای صدور دستور استرداد يك مال فرهنگی واصله از یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا طرح مسئله عدم صدور مجوز خروج جهت اثبات خارج شدن غیرقانونی مال کافی نیست. در چنین مواردی باید ثابت شود خارج شدن مال مورد بحث موجب ورود لطمه ای مهم به منافع مورد اشاره در ماده ۵ کنوانسیون وحدت قوانین گردیده یا اینکه مال از نظر دولت متقاضي استرداد حایز اهمیت فرهنگی زیادی است.

کنوانسیون وحدت قوانین... ❖ ۲۶۱

عملاً به دلیل اینکه در کادر کشورهای اروپایی امتناع از صدور مجوز خروج بر مبنای این است که مال مورد نظر جزء خزانه ملی است اثبات وجود اهمیت فرهنگی آسان است، مع ذلك حتی اگر مال جزء خزانه ملی باشد ولی به وسیله یک هنرمند در قید حیات یا تازه در گذشته خلق شده باشد همچنانکه دیدیم مقررات فصل سوم کنوانسیون اجرا نخواهد شد. بدین ترتیب اگر آثار Baltus, Tapiés, Marino, Marini در ایتالیا، اسپانیا و فرانسه جزء خزانه ملی محسوب گردند و به طور غیرقانونی به کشورهای غیر عضو اتحادیه اروپا برده شوند، از شمول مقررات کنوانسیون وحدت قوانین خارج خواهند بود.

### نتیجه

۶۲. در سال بعد از وضع کنوانسیون مقررات آن مورد انتقاد صاحبان مشاغل عتیقه فروشیها و صاحبان گالریها واقع شد، زیرا برخلاف رویه معمول ایشان بود. مثلاً در فرانسه Claude Blaizot رئیس اتحادیه ملی عتیقه فروشیها در این مورد اعتراض نمود. در یک مجله حقوقی اعلام شد تنها

بورکینافاسو، کامبوج، ساحل عاج، کروات، فرانسه، گینه، مجارستان، ایتالیا، لیتوانی، زامبیا، گرجستان، این کنوانسیون را امضا نموده اند. تمامی دیگر کشورها یا غایب بودند یا آنکه با اتخاذ موضعی محتاطانه در برابر این متن مبهم و غیرقابل اجراء، سکوت اختیار کرده اند. در یک مجله غیرحقوقی دیگر بعد از ذکر نام کشورهای فوق نویسنده اضافه می‌کند: دیگر کشورها در کنوانسیون مداخله نداشته یا آن را با وضعیت فعلی نپذیرفته اند.<sup>۵۵</sup>

غیرواقعی بودن مطالب عنوان شده و عدم صلاحیت حقوقی نویسنده مشهود است. متن نهایی کنوانسیون با ۳۷ رأی موافق در مقابل ۵ رأی مخالف (الجزایر، مصر، ایران، لیبی، مراکش) به تصویب رسید. اتریش، هلند و آلمان در رأی‌گیری شرکت نداشتند ولی هلند بعداً آن را امضا نمود و به تصویب آن راغب است. لذا می‌بینیم تعداد بسیار کمی از دول حاضر در کنفرانس رم از پیوستن به کنوانسیون

---

55. *Connaissance des Arts* juin 1996, P. 125 sous le titre "Une idée généreuse mais dangereuse," le *Journal des Arts*, juin 1996, n° 26 sous le titre "Alerte sur UNIDROIT".

امتناع نموده اند. امضاهای کنوانسیون بعضی در روز افتتاح و بقیه در طی همان سال (همانگونه که در مواد نهایی پیشبینی شده بود) انجام شدند. تا امروز ۲۲ دولت کنوانسیون را امضا نموده اند.<sup>۵۶</sup> به دولتهایی که از ابتدا کنوانسیون را پذیرفتند فنلاند، پرتغال، سوئیس، روسیه، هلند و تعداد دیگری از دولتها اضافه شده اند و در واقع این کشورها تحت تأثیر انتقادات عنوان شده مبنی بر «مبهم و غیرقابل اجرا بودن» کنوانسیون قرار نگرفتند. به نظر میرسد نظر منتقد یاد شده مورد تمسخر قرار دادن فرانسه و ایتالیا از جهت هم نوا شدن با کشورهای مثل بورکینافاسو، کامبوج، گینه، زامبیا، لیتوانی و دیگر کشورهای چندان توسعه نیافته یا به قول وی تقریباً غیرقابل تشخیص در نقشه جهان بوده است. ولی در واقع این مایه مباهات فرانسه و ایتالیا است که در کنار این کشورها قرار میگیرند، کشورهایی که میراث فرهنگیشان به غارت رفته و میرود (پیکره‌ها، توت‌ها، تصاویر قدیسین یا حضرت مریم).

---

۵۶. رك. صفحات قبل زیرنویس ۳.

به علاوه نویسنده مذکور در کمال ناآگاهی می‌نویسد: «به‌موجب کنوانسیون هر دولت می‌تواند مدت‌های م‌رور زمان را تعیین کند، چگونه می‌توان در چنین چارچوب مبهمی عمل نمود».<sup>۵۷</sup>

نویسنده بیم دارد از اینکه یک متصرف با حسن نیت، یک کلکسیونر شیفته آثار هنری متهم به اختفای مال مسروقه شود و نتواند ثابت کند مال قبل از به مرحله اجرا درآمدن کنوانسیون به وی تعلق داشته است.<sup>۵۸</sup>

در پاسخ گفته می‌شود که کنوانسیون مسئله اختفای مال دزدی را در برنمی‌گیرد، بلکه امروزه یک کلکسیونر خریدار یک اثر هنری مشکوک به احتمال زیاد ممکن است توسط قاضی تحقیق احضار شود، اگر به‌عنوان شریک جرم شناخته گردد. کنوانسیون تغییری در این سیستم نمی‌دهد. در جریان مباحثات اولیه در مورد کنوانسیون در ۹ می ۱۹۹۶ M. Rheims با تمسخر حقوقدانان اعلام داشت خوب بود بگذاریم غارت ادامه یابد (اشاره به

---

57. Journal des Arts, Précité, I<sup>er</sup> colonne.

۵۸. همان منبع.

غارت Sicile بوسیله Verrés).<sup>۵۹</sup> در کنار این‌گونه عکس‌العمل‌های به قول P. Lalive ناشی از عدم شناخت کنوانسیون<sup>۶۰</sup> مطالب بسیار معقولانه‌تری از سوی متخصصین امور هنری عنوان شد. مثلاً C.Lefranc و J.Y. Marin رئیس کمیته فرانسوی شورای بین‌المللی موزه‌ها<sup>۶۱</sup> تأکید داشتند بر اینکه کنوانسیون عطف به‌ماسبق نمی‌شود و در مورد اموال به سرقت رفته، بار اثبات دعوا بین مالک و متصرف با حسن‌نیت به‌طور مساوی تقسیم می‌شود. بحث مطروحه بین متخصصین فن در فرانسه در سایر کشورهای که معاملات بین‌المللی اموال هنری در آنها رواج داشت، نیز مطرح بود (مثل آلمان، سوئیس و انگلستان).<sup>۶۲</sup>

۶۳. کنوانسیون در عرصه حقوقی تاکنون موفق بوده است در این مورد خصوصاً به دفاعیه مشهور P. Lalive تحت عنوان «پیشرفتی در حقوق بین‌الملل: کنوانسیون وحدت

---

59. Journal des Arts Juin 1996, n° 26.

۶۰. همان منبع.

61. Céline Lefranc, La Convention d'UNIDROIT, Connaissance des Arts, juin 1996, P. 124;

J.Y. Marin, Du bon usage du droit international, le Journal des Arts, juillet - août 1996, n° 27.

۶۲. George ortiz در هجو نامه‌ای که نشر نموده می‌نویسد: کنوانسیون وحدت قوانین یک فاجعه واقعی است.

The Art, Newspaper n° 67, fév. 1997, P. 21 et 22.



قوانین...»<sup>۶۳</sup> اشاره می‌شود. یونسکو نیز با قدرت از کنوانسیون حمایت می‌کند.<sup>۶۴</sup> در همین راستا نظریات مرکز بین‌المللی مطالعات مربوط به حفاظت و نگهداری اموال فرهنگی (ICROM) را می‌بینیم.<sup>۶۵</sup> همچنین در این رابطه نظریات مساعدی از جانب نویسندگانی که از قبل با ایده ایجاد کنوانسیون مخالفت می‌نمودند مثل<sup>۶۶</sup> M. Frigo, R.Fraoua<sup>۶۷</sup> عنوان شده است.

شخصاً معتقدم کنوانسیون وحدت قوانین از این جهت که در پی نظام بخشیدن و

---

63. Revue de droit uniforme 1996 40 et s.

64. يك کنوانسیون جدید برای مبارزه علیه خرید و فروش غیرقانونی اشیاء هنری در بازارهای خصوصی.

Acheteur mais de bonne foi, une nouvelle Convention s'appliquant au marché privé de l'art devrait permettre de lutter plus efficacement contre le trafic, Sources UNESCO n° 72, September 1995; L.V. Prott, Étude à la Revue de droit uniforme précitée, note, 22. V. aussi du même auteur son Commentary

65. يك راه حل واحد برای تمام کشورهای جهان برای حل مسئله اموال فرهنگی سرقت شده یا به‌طور غیرقانونی خارج شده.

Chronique ICROM n 21 juillet 1995.

66. شرایط اجرای کنوانسیون وحدت قوانین در مورد اموال فرهنگی سرقت یا به‌طور غیرقانونی خارج شده، ایام ارائه اطلاعات در مورد کنوانسیون وحدت قوانین که به وسیله Centre du droit de l, Art در لوزان سوئیس در سوم اکتبر ۱۹۹۵ برگزار شد.

67. Revista di diritto internazionale privato e processuale; voir aussi E.Desportes, "La lutte contre le trafic des biens culturels; une priorité pour les professionnels des musées". Gazette du palais 1995, 327; V.Hughes, "Unidroit Convention on Stolen or Illegally Exported Cultural Objects", Canadian International Lawyers. 1995, p. 214.

سامان دادن به تجارت بین‌المللی آثار هنری است مبین پیشرفت قابل توجهی می‌باشد. کنوانسیون نمی‌تواند مدعی مبارزه علیه تمام موارد سوء استفاده، نقل و انتقالات قاچاق و خصوصاً معاملات پشت پرده (که فقط مربوط به اموال متوسط ارزش است) باشد همچنین نمی‌تواند مدعی مبارزه علیه آما تورهای ثروتمند و خودخواهی شود که می‌خواهند به طریق غیرقانونی و مخفیانه اموال فرهنگی بسیار با ارزش را برای لذت شخصی خود به دست آورند. مع ذلك کنوانسیون می‌تواند اثری بازدارنده داشته باشد و مانع شود از اینکه یک کلکسیونر بدون وا همه در ویتترین‌هایش یک مال مسروقه یا تحصیل شده به طریق غیرقانونی و با نقض مقررات حفاظتی یک کشور ثالث را عرضه نماید. همچنین کنوانسیون مانع می‌شود از اینکه بعضی اشخاص حرفه‌ای اشیاء مشکوک‌المنشأ را به معرض فروش بگذارند. (حسب اطلاعات واصله شرکتهای بزرگ بیمه که در سیاهه‌ای متوجه وجود برخی اشیاء ذکر شده در فهرست اموال مسروقه شده‌اند بدون افشای مورد، صرفاً از بیمه کردن اشیا مذکور خودداری

نموده اند. این شرکتها دارای بخشهایی تخصصی در مورد آثار هنری هستند و ابزار تحقیقاتی مؤثری در این زمینه دارند. لذا هنگام خرید يك شيء با ارزش برای رعایت احتیاط می‌توان از يك شرکت بیمه استعلام نمود آیا شيء مورد بحث قابل بیمه شدن در مقابل دزدی هست یا نه و در صورت جواب رد شرکت بیمه باید از خرید شيء خودداری نمود).

۶۴. در خاتمه آرزومندیم فرانسه این کنوانسیون را تصویب نماید و مثل مورد کنوانسیون یونسکو (تصویب بعد از ۲۷ سال) تصویب آن را به تأخیر نیندازد. در جریان فراهم نمودن مقدمات چنین تصویبی می‌توان ترتیبی اتخاذ نمود که با هماهنگی نمایندگان دولت، موزه‌ها، اشخاص حرفه‌ای، متخصصین، کلکسیونرها، دستورات العمل راهنمایی تهیه شود که ضرورتاً حالت تحصیلی و الزام‌آور نداشته و در عین حال اطلاعات لازم را در اختیار عاملین تجارت بین‌المللی آثار هنری قرار دهد.

شورای بین‌المللی موزه‌ها (ICOM) متنی را تهیه نموده که می‌تواند زمینه‌ای باشد

کنوانسیون وحدت قوانین... ❖ ۲۶۹

برای ترسیم یک سند مکمل کنوانسیون در فرانسه، متنی که راهنمای قضات و افراد ذینفع است در تشخیص مراقبتهایی که هنگام تحصیل مال باید معمول گردد و خلاصه وظایف «دستاندرکاران امور هنری» را از این حیث برمی‌شمرد.<sup>۶۸</sup>

۶۵. در مورد اظهارات عضو آکادمی فرانسه که خوب بود بگذاریم Verres به غارت سیسیل ادامه دهد، همراه با J.Y.Marin رئیس کمیته فرانسوی شورای بین‌المللی موزه‌ها خاطرنشان می‌سازیم، صرفنظر از مسئله آماتور بودن در امور هنری، بالاخره Verres, Cicceron را به جرم سرقت و غارت محکوم کرد: M.Rheims مطمئن باشد که امروزه هم افرادی مثل Verres وجود دارند، اشتیاق و عشق آنها به آثار هنری کاهش یافته ولی اشتهای آنها برای پول درآوردن کم نشده است، خوشبختانه دیر یا

---

68. Le Code de déontologie du Conseil international des Musées (ICOM) a fait l'objet d'un numero spécil de la Lettre du Comité Nationsl francais de I: ICOM, no 14, 22, mai 1993. par ailleurs, P.O'Keefe a établien 1994 un Rapport à l'intention de l'UNESCO Sur la faisabilite d'un Code de déontologie dont un projet figure en annexe du document UNESCO, CLT - 94 WS/II. Ce meme document reproduit en outre le Code de déontologie adopté le 25 sept. 1987 par la Confédération international des négociants en oeuvres d'art (CINOA). On voit que le materiel de base ne manque pas.

زود از بين ميروند.<sup>۶۹</sup> همراه با J.Y.Marin  
ما ترجيح ميدهيم از Ciceron دفاع كنيم تا  
از Verrés.

---

**69.** Jean - Yves Marin "Du bon usage du droit international", le Journal des Arts, no 27. juill.  
/août 1996.